

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۲۹ / سال سیزدهم / دیماه ۱۴۰۲ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



آنان که باد می‌کارند، توفان درو خواهند کرد!





ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آزر سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۲۹ / سال سیزدهم / دیماه ۱۴۰۲ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می‌خوانید:

اطلاعیه‌های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۷

ذوب آهن ص ۷

گروه ملی فولاد خوزستان ص ۹

نفت و گاز ص ۱۶

پروژه‌های نفت و گاز ص ۲۰

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد با خبرگزاری ایلنا ص ۲۶

اختیار بازنهستان ص ۲۷

بی‌مسئولیتی مدیرعامل کانون بازنهستان تهران! ص ۳۲

درمانگاه شهید حیدری هم تعطیل شد! ص ۳۳

نقش غنی نژادها در انحراف افکار از کثافت سرمایه‌داری! ص ۳۴

جرا آتش سوزی در پالایشگاهها اتفاق می‌افتد؟ ص ۳۶

گزارش یونسکو درباره وضعیت «آموزش در کوپا» ص ۳۹

انسانیت و دیگر هیچ! ص ۴۱

یک دروغ کوچک و این همه رسوایی ص ۴۲

لایحه ضد کارگری، هفتم توسعه! ص ۴۳

آنجبه او داشت بر ما می‌فروخت! ص ۴۴

به احترام رویا حشمتی ص ۴۵

از مادر ص ۴۶

پاداش خدمت ص ۴۷

جمعیت چین برای دومین سال متوالی کاهش یافت! ص ۴۸

صدها هزار ذره پلاستیکی در یک بطری آب ص ۴۹

سرنوشت ترازیک رعیت‌های ایرانی ص ۵۳

دوستی چیست؟ ص ۵۴

اسب تروا ص ۵۵

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاه‌های ما می‌توانید به سایت دو زبانه سندیکای

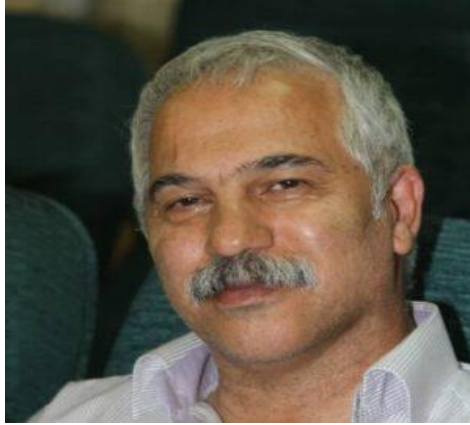
کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و

کانال رسمی سندیکا در تلگرام به آدرس

#کانال_رسمی_سندیکای_کارگران_فلز_کار_مکانیک_ایران

مراجعة کنید

ما هم دستگیر کنید، منم مجرم هستم!



با دستگیری مصطفی زمانی، کارگر جوشکار پروژه های نفت و گاز که در آخرین وضعیت شغلی در پالایشگاه آبادان به طور رسمی مشغول کار شده بود این سوال برای همه کارگران پیش آمده است که مصطفی زمانی مگر چه کرده و یا چه می خواسته که باید با ترفند پیمانکار اصفهانی گولش زد و به پالایشگاه اصفهان کشاند و دستگیرش کرد و به محل نامعلومی برد؟

آیا مخالفت با شیوه کثیف دلالی نیروی انسانی که نام پیمانکاری گرفته است و لایحه مخالفت با آن در مجلس مطرح می باشد مستوجب دستگیری است؟ آیا تقاضای اینکه کارگران نفت چه پیمانی، قراردادی، ارکان ثالث، قرارداد معین، پروژه ای باید مطابق استانداردهای شرکت نفت با آنان رفتار شود حرف گزاف و خلاف قانون است؟ چرا باید یک کارگر پروژه ای نفت روزانه ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار کند حتی در روز جمعه آنهم در گرمای جنوب و فقط ۶ روز به مرخصی برود ولی کارگر دیگر شاغل در نفت و گاز ۱۴ روز کار و ۱۴ روز در مرخصی باشد؟ کارگران پروژه ای حقوقش ۳ ماه به ۳ ماه عقب بیفتد و گاه پیمانکارش غیب شود و یا در بهترین حالت در زمان تسویه حساب حقوق های توافقی را نصفه و نیمه پرداخت کند و اگر کارگر اعتراض کرد او را به عنوان اغتشاشگر اطلاق و پرونده سازی و در لیست سیاه قرار داد؟ بیمه اش، کارگر

ساده رد شود و بازرسین بیمه نپرسند مگر در این پروژه به این عظمت یک کارگر فنی وجود ندارد و رشوه خود را گرفته و آینده کارگر را تباه کنند؟ مسوولین وزارت نفت و بازرسی آن کوهی از تخلفات را که اینجانب به بازرسی نفت و حراست «متن» و بخش آموزش وزارت نفت داده ام را در جریان هستند و حتا نامه هایی که در سال ۱۴۰۰ و هنگام تجمع ۵۰ نفر از نمایندگان کارگران پروژه ای در حال اعتصاب در مقابل شرکت نفت ثبت شده و هنوز جوابی نیافته را دارند. جالب اینکه نامه ای که در اعتصاب سال ۹۹ که به امضای ۱۰۰۰ کارگر پروژه ای برای همه مقامات و مسوولین نوشته شده بود بی پاسخ ماند و فقط نامه ای که به دفتر رهبری ارسال شده بود با پاراف این دفتر به وزارت کار و سپس به اداره کار بوشهر و آقای شهریور رسید که ایشان با تمام تلاشی که کرد اجازه دسترسی و بازرسی از پتروشیمی ها را نیافت در حالی که ایشان ضابط قضایی محسوب می شود و بازرسین دادگستری بوشهر هم در کنار ایشان حضور داشتند و متأسفانه پرونده را کد ماند و خواسته های کارگران مجالی برای بررسی و اعاده حق نیافت.

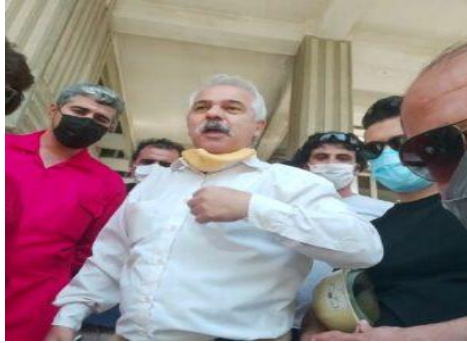
فکر نمی کنم کسانی که دستور بازداشت مصطفی زمانی را داده اند تاکنون در خوابگاههای پر از ساس و سوسک خوابیده باشند؟ یا از حمام های بدون شیر و آبگرم و دوش استفاده کرده و یا در مستراح های بدون در قضای حاجت کرده باشند؟ و یا بعد از کار طاقت فرسای روزانه غذای ماکارونی و یا تخم مرغ و سیب زمینی سرد خورده باشند؟ و یا ۳ ماه حقوق دریافت نکرده و شرمنده همسر و فرزند شده باشند؟

بی تردید این مسایل را تجربه نکرده و من و همه کارگران پروژه ای هم آرزومندیم چنین تجربه دردناکی برای هیچکس پیش نیاید. جرم مصطفی زمانی و دیگر کارگران پروژه ای این است که می خواهند این بی قانونی ها از پروژه های نفت و گاز جمع شود. اگر خواستن موارد گفته شده جرم است، مرا هم دستگیر کنید که منم مجرم هستم.

مازیار گیلانی نژاد

۲۸ دیماه ۱۴۰۲

مصطفی زمانی را آزاد کنید!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مصطفی زمانی کارگر جوشکار پالایشگاه آبادان در تاریخ ۲۴ دیماه در محل زندگیش، اصفهان دستگیر و به نقطه نامعلومی برده شد. او در زمان دستگیری بیکار بوده و توسط پیمانکار به محل پالایشگاه اصفهان فراخوانده شده و توسط لباس شخصی ها دستگیر گردیده است.

مصطفی زمانی در کمپین دوم سال ۱۴۰۰ در شهریور ماه به اتفاق ۵۰ نماینده دیگر که برای مذاکره با مسوولین شرکت نفت به تهران و مقابل مجلس آمده بود با همکاری مازیار گیلانی نژاد، نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای، به شرکت نفت رفته و در شرکت نفت با آقای صدرایی از مسوولین آن هنگام شرکت نفت به اتفاق ۱۵ کارگر دیگر ملاقات و ضمن تشریح مصایب کارگران پروژه ای خواهان عقب نیفتادن حقوق ها، کوتاه شدن دست پیمانکاران از صنایع نفت، افزایش حقوق، رد شدن لیست بیمه طبق دریافتی کارگر، اصلاح شرایط رفاهی منطبق بر استانداردهای شرکت نفت بود. پس از این دیدار مازیار گیلانی نژاد در روی پله های شرکت نفت گزارشی از مذاکرات انجام شده داد که مصطفی زمانی با لباس کار قرمز رنگ و ماسک مشکی در پشت سر ایشان در فیلم دیده می شود.

مصطفی زمانی و بسیاری از جوشکاران ایزه ای که روابط کارگری محکمی با سندیکای کارگران فلزکارمکانیک داشته اند همیشه پیشگام گرفتن حقوق کارگری خود بوده و هستند. آزادی فوری مصطفی زمانی خواسته سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و کارگران پروژه ای می باشد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۶ دیماه ۱۴۰۲

لایحه هفتم توسعه ناقض قانون اساسی و قانون کار است!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در تاریخ ۹ دیماه ۱۴۰۲ نامه اعتراضی توسط بیش از ۴۰۷۰ نفر به شورای نگهبان تسلیم شد که متاسفانه از ثبت آن خودداری و فقط شماره تلفنی ۰۲۱۶۶۴۰۱۱۷۱ جهت پیگیری به آقای حسن مرادی از بازنشستگان پیگیر داده شد. متن نامه به شرح زیر است: به نام خدا

لایحه هفتم توسعه ناقض قانون اساسی و قانون کار است!

نهاد محترم شورای نگهبان

با سلام، احتراماً، اینجانبان امضا کنندگان متن پیوست، به استحضار از آن نهاد محترم میرسانیم که، برنامه هفتم توسعه به لحاظ قانونی ناپیوستی قوانین مادر و بالادستی را نقض کند. اما در این لایحه بویژه در مواد ۱۵، ۱۷، ۴۹، ۶۶، ۶۷، ۱۶۶ (در متن اولیه) نه تنها بر ضد معیشت و درمان کارگران و بازنشستگان می باشد، بلکه ناقض اصول ۳، ۲۹، ۴۳، ۸۵ قانون اساسی و ماده ۴۱ قانون کار است. با توجه به اصول ۷۱، ۷۲، ۱۷۷ قانون اساسی، چنانچه مجلس و یا تدوین کنندگان این لایحه، خواهان تغییر و یا حذف اصولی از قانون اساسی هستند باید ابتدا فرایند ذکر شده در اصل ۱۷۷ قانون اساسی را طی نموده و سپس در مقام تدوین چنین لایحه ای برآیند. در غیر این صورت ما امضا کنندگان ذیل، خواهان حذف مواد ذکر شده این لایحه (۱۵، ۱۷، ۴۹، ۶۶، ۶۷، ۱۶۶) که قانون اساسی را نقض کرده است، می باشیم»

این متن به امضای کارگران و بازنشستگان تهران، کرمانشاه، گیلان، بابل، رامهرمز، عسلیویه، ایذه، قزوین رسیده است.

شادباش به مناسبت فرا رسیدن سال نو میلادی



در آستانه روز اول ژانویه ۲۰۲۴ میلادی (۱۱ دی ۱۴۰۲) سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران فرارسیدن کریسمس و سال نو میلادی را به همه هموطنان و زحمتکشان مسیحی، ارمنی و آسوری میهن و کوشندگان در راه حقوق و شرایط کاری بهتر تبریک می‌گوید. امیدواریم سال نو به ارمغان آورنده صلح، شادی، سلامتی و موفقیت در همه عرصه‌های زندگی برای شما و همه زحمتکشان میهن، منطقه خاورمیانه و جهان باشد. به امید روزهای بهتر.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران



قتل عام کارگران ادامه دارد!

کارگران ایرانی سالهاست به دلیل سیاست های ضد کارگری ننولیبرالیستی قتل عام می شوند. گرانی های هر روزه که با یک دستور از سال گذشته، که بیشتر به یک فرمان کشتار عمومی شباهت دارد و کالاها را طی یک سال ۱۵ برابر گران نمود، گرانتر شدن خدمات درمانی، نایاب شدن داروها برای زحمتکشان، بالا کشیدن دستمزدهای حقیرانه زحمتکشان توسط پیمانکاران در پروژه های نفت و گاز و سایر کارگاهها، تصویب دستمزدهای ۴ برابر زیر خط فقر توسط دولت، بخش بزرگی از این فرمان قتل عام است.

اما این همه ماجرا نیست. روزانه بین ۱۱ تا ۱۵ کارگر در حوادث شغلی به دلیل صرفه جویی کارفرمایان از هزینه کردن برای مسایل ایمنی، می میرند. خودکشی زنان کارگران و فرزندانشان به دلیل فقر و خودکشی عامدانه کارگران به دلیل شرمساری مقابل خانواده.

در آخرین فاجعه از این قتل عام ۳۰ آذر امید پایدار قهرمان کشتی فرنگی نوجوانان کشور و پدرش پس از کار روزانه و هنگام استراحت در چادری که کارفرما برایشان تهیه کرده بود به دلیل گاز گرفتگی مردند. همچنین ۲ کارگر پتروشیمی چوار ایلام در اعتراض به اخراج خود خودکشی کردند. در یکسال گذشته ۴ کارگر دیگر این پتروشیمی نیز در پی اخراج دست به خودکشی زدند.

ایلام دارای بالاترین میزان بیکاری در میان استان های کشور است. مسولین پتروشیمی از طریق پیمانکاران نابکار و قراردادهای موقت و دادن دستمزد ناچیز با جذب جوانان بیکار، کارگران باسابقه را اخراج می کنند.

حیدر محسنی، آرش تبرک، محمدنبی منصوری، علی محمد کریمی و در ۳۰ آذر جواد نوروزی و مصطفی عباسی خود را حلق آیز کردند تا پرچمی شوند برای بی لیاقتی مسولین استان و پتروشیمی و سیاست های ننولیبرالیستی.

اینها تنها یک اسم نیستند، این ها افرادی هستند که خانواده ای در غم از دست دادنشون و مهمتر از همه از دست دادن درآمدها نه تنها داغدار که به خاک سیاه نشانده شده اند. جان هایی که در بیداد سیاست های ضد کارگری ننولیبرالیستی از بین رفتند.

هر روز داشتن سندیکاهای کارگری برای زحمتکشان مبرم تر از همیشه می شود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اول دیماه ۱۴۰۲

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- ذوب آهن در مذاکره!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مذاکره برای خواسته های کارگران از جمله امنیتی نکردن محیط کار و خواسته های کارگری و اجرای طبقه بندی مشاغل در حال انجام است. بخش زیادی از کارگرانی که کارت های ورودی به کارخانه شان برداشته شده بود با مذاکره صورت گرفته به سرکار بازگشتند و جمع کوچکی که بازنشستگی شان نزدیک است به بخش اداری معرفی شدند تا اولین گام مذاکره مهیا شود. کارگران در ۱۴ آذرماه طی بیانیه ای خواسته های خود را چنین عنوان کرده اند: ۱- اجرای کامل و اصلاح طبقه بندی مشاغل که قریب به ۱۰ سال است از ما دزدی شده حق قانونی ما کارگران ذوب آهن است. ۲- خواست همسان سازی حقوق با سایر شرکت های فولادی، آن هم در حالی که شرکت ما از قدرتمندترین و سودآورترین و قطب صنعت فولادی کشور بوده و هست، خواستی به حق و قابل اجراست. ۳- مطالبه ی افزایش دستمزد و پاداش با توجه به تورم سرسام آور و ناکافی بودن حقوق

کارگران، حق مسلم و بدیهی کارگران است. ۴- همه کارگران حق دارند تا آزادانه بتوانند تشکل مستقل خود را ایجاد کنند و از طریق آن به مطالبه‌ی حقوقشان بپردازند. با توجه به عدم وجود تشکل مستقل، اعتراض مسالمت آمیز ما در محوطه‌ی کارخانه که خانه کارگران است و بدون کوچکترین خشونت و قانون‌گریزی اتفاق افتاده است، قانونی‌ترین حق ماست.

در روزهای آینده معلوم خواهد شد چقدر مدیریت به خواسته‌های ما به حق کارگران گردن خواهد گذاشت و یا اینکه دوباره کارخانه به فروش خواهد آمد.

۲- یلدای بی رونق در نوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، به مناسبت فرا رسیدن شب یلدا ۳۰ آذرماه، دوره‌می کارکنان نوب آهن بی رونق‌ترین شب یلدایی ۴۰ ساله خود را به چشم دید. در این دوره‌می از میان کل کارکنان نوب آهن کمتر از ۲۰۰ نفر با خانواده‌هایشان شرکت کرده بودند. کارکنان شرکت کننده در مراسم از مدیریت امور اداری، مدیریت انرژی، کارگاه نورد ۵۰۰، هماهنگ کننده امور رستوران‌ها به شب یلدا آمده بودند. تحریم سنگین این مراسم از سوی کارگران کوره‌های بلند، نت مکانیک، الگومراسیون، انبارها، حمل و نقل، اتوماسیون مخابرات، ریخته‌گری، فولاد، کنورتور، بخش خرید تجهیزات، پیام روشنی به مدیریت بود تا دست از لجاجت برداشته و به خواسته کارگران تمکین کند.

۳- مدیر عامل نوب آهن چه می‌کند؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیر عامل نوب آهن مهندس مهدی کوهی روز ۲۸ آذر دیداری با رییس دادگستری و دادستان شهرستان لنگان داشت. از محتوای این دیدار خبری رسانه‌ای نشد اما از شایعات چنین بر می‌آید که ایشان برای اطلاع یافتن از آخرین وضعیت پرونده سازی‌ها علیه کارگران نوب آهنی، مذاکراتی به عمل آورده است. مدیر عامل نوب آهن بارها در جواب کارگران گفته است: «او نمی‌تواند در پرونده افراد دخالت کند و این مسوولین امنیتی هستند که باید تصمیم آخر را بگیرند» موضوعی که کارگران باور ندارند.

۴- سمینار پزشکی در نوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، به مناسبت ۲۸ آذر روز جهانی قلب با دعوت بخش طب کار نوب آهن سمینار پزشکی در نوب آهن برگزار شد. با توجه به آمار بخش طب کار کارخانه، کارگران و کارکنانی از نوب آهن برای این منظور دعوت شده بودند. ۴۵۰ کارگر

انتخاب شده از نظر سنی و ریسک بالای ابتلا به این سمینار آمده بودند. با توجه به ۴۶ درصد از مرگ و میر کشور ما که مربوط به بیماری های قلب و عروق است، برگزاری این سمینار بی دلیل نمی باشد. گزارش های متعدد سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در خصوص مرگ و میر های زیر ۷۰ سال در ذوب آهن و عدم اعلام آمار چگونگی این مرگ ها و مشخص شدن اینکه چه بیماری هایی در این کارخانه شایع است، بخش طب کار مجبور شده است این سمینار را برگزار کند. البته تا آخر سال سمینارهای مشابهی در موضوعات جدید برای کارگران و کارکنان ذوب آهن گذاشته خواهد شد. سندیکای ما امیدوار است با فعالیت کارگران ذوب آهن و پیگیری و انتشار اینگونه اخبار از سوی سندیکا، مسوولین ذوب آهن را مجبور کنیم در این خصوص حساسیت بیشتری نسبت به سلامتی کارگانش داشته باشد.

۵- مدیران کیلویی در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از پایان اعتصاب در ذوب آهن به ناگهان سهمیه شیر کارکنان قطع شد. کارگران طی اعتراضاتی به این امر خواستار پاسخگویی مدیران در خصوص قطع سهمیه شیر شدند. مدیریت اینگونه پاسخ داده است: «با توجه به عدم همکاری پیمانکار مربوطه، قرارداد توسط این مدیریت فسخ و در حال برگزاری تشریفات قانونی جهت انتخاب پیمانکار جدید در اسرع وقت می باشیم» وقتی همه کارها دست پیمانکاران باشد نتیجه این می شود که پیمانکار به قرارداد خود پشت کرده و مدیران بی عرضه به جای اینکه از طرف شکایت کنند قرارداد را یکطرفه فسخ می کنند. صد البته که پیمانکار هم از مافیای بر آمده از باند مدیریت کنونی می باشد که چنین رفتار احمقانه ای از سوی مدیریت سر می زند. از طرف دیگر پرسش کارگران این است مدتی که شیر توزیع نمی شود چراپولش را به کارگران نمی پردازند؟ نکند این مبلغ را هم جزو سودهای بادآورده خود در هزینه کردها منظور خواهند کرد؟

اخبار گروه ملی فولاد خوزستان

۱- مدیر عامل مافیایی اخراج شد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز دوم دیماه هزار کارگر گروه ملی فولاد خوزستان با اطلاع از اینکه ۲۱ همکارشان توسط مدیرعامل علی محمدی اخراج گردیده، با دست کشیدن از کار در همه بخش های کارخانه و در همبستگی با کارگران اهراجی، اعتصاب کردند. کارگران فولاد از یک ماه پیش درخواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را مطرح و از مدیریت خواسته بودند این طرح را اجرایی کند. اخراج کارگران خشم فرو خورده کارگران

را برآشت و آنان پس از تجمع در مقابل دفتر مدیریت جهت رساندن خواسته های خود به گوش مدیرعامل با راهپیمایی تا میدان بقایی ابتدای جاده اهواز به خرمشهر و سپس دفتر حراست به محمدی فرصت دادند تا کارگران اخراجی را به کار برگرداند. محمدی با مخفی شدن تلاش کرد از این مهم بگریزد که کارگران او را در یکی از اتاق های معاونت فنی یافته با شعار: «بی شرف بی شرف» و در ساعت ۲ بعدازظهر این مدیر مافیایی و بی شخصیت را از کارخانه بیرون انداختند. کارگران تا ساعت ۴ بعدازظهر (ساعت مخابره خبر) در مقابل درب حراست تجمع کرده و با شعار: «ما کارگران فولاد/ علیه ظلم و فساد/ می جنگیم می جنگیم» تلاش دارند تا کارگران اخراجی را به کار بازگردانند

۲- صدای فولاد خاموش نشدنی است!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با بیرون انداختن مدیریت فاسد شرکت گروه ملی فولاد خوزستان (اهواز) آقای علی محمدی، ایشان امروز ۲ دیماه کارت ورود ۱۷ کارگر دیگر را مسدود کرد تا به این ترتیب تعداد کارگران اخراجی معترض به اجرا نشدن طرح طبقه بندی به ۳۸ نفر برسد. بی تردید این اخراج ها در روزهای آتی افزایش خواهد یافت و با خبرچینی افراد فقیر، کارگرانی که در موضوع طرح طبقه بندی و اعتراضات امروز و دیروز چهره ای فعال داشتند حکم اخراج خواهند گرفت. علی محمدی نمی داند که با اخراج حتما هزار کارگر فولاد باز هم نتیجه دلخواه را نخواهد گرفت. کارگران امروز دوم دیماه در پی این حماقت مدیر به سرکار نرفته و در بیرون شرکت تظاهرات هزار نفره به راه انداخته و درهای ورودی و خروجی شرکت را بسته و با راهپیمایی نفرت و اعتراض خود را از این رفتارهای احمقانه و ضد کارگری اعلام کردند. هرچند که ساعتی بعد استقرار نیروهای یگان ویژه در کارخانه اتفاق افتاد اما کارگران پا پس نکشیده اند. کارگران با حمل پلاکاردهایی در راهپیمایی خواهان همسان سازی حقوق مانند دیگر شرکت های فولادی بوده و اجرای طرح طبقه بندی را خواستار شدند. کارگران در شعارهای خود فضای ملتهب کارخانه را به نمایش

گذشتند: «کارگر می میرد / ذلت نمی پذیرد، نه تهدید نه زندان/ دیگر اثر ندارد، ظلم و ستم کافیه/ سفره ما خالیه، مشکل ما حل نشه/ اهواز قیامت میشه، ما کارگران فولاد/ علیه ظلم و فساد/ می جنگیم می جنگیم» افراد اخراجی شناخته شده تا لحظه مخابره خبر به این شرح هستند: «ناصر منصوری، حافظ کنعانی، امیر دورباف زاده، احمد حویزه، خلف مگدم، جاسم جرفی، شهاب حیدری، مرتضا اکبریان، محسن میرزاخانی، فرزاد سلطانی، مسعود نواصری، عارف غلامی، میثم امیری، بابک صالحی، فرج عموری، ابوالفضل بهرامی، عبدالله درویشی، سید علی موسوی، ابراهیم عباسی منتظری، فریبرز کشاورز، یونس شریفی» متأسفانه مسوولین شهر به جای رسیدگی به مشکلات کارگران اقدام به تهدید و پرونده سازی برای کارگران فولاد نموده اند. تجربه دو دهه اخیر مبارزات کارگران فولاد ثابت کرده است می توان اخراج کرد، پرونده سازی نمود اما مشکلات همچنان بر سر جای خود باقی خواهند ماند. شکم گرسنه و خواسته های به حق کارگران را نمی توان با این اقدامات خاموش ساخت. کارگران با تجربه فولاد که از میدانی کردن مبارزات خود در شهر دستاوردهای خوبی را کسب کرده اند بی تردید باز هم از آن استفاده خواهند نمود. مدیرانی که نه دغدغه منافع ملی دارند و نه وظایف خود را به خوبی انجام می دهند در راستای خدمت به سیاست های ضد کارگری ننویسند برای به نابودی کشاندن صنعت و گرسنه نگه داشتن کارگران هستند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از خواسته های به حق برادران خود در فولاد اهواز حمایت کرده و تا پیروزی آنان در کنارشان خواهد بود و از همه توان خود برای یاری رساندن به آنان دریغ نخواهد کرد.

۳- درود بر کارگر مرگ بر ستمگر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز دوشنبه ۴ دیماه، هزار کارگر فولاد خوزستان با بستن درهای ورودی و خروجی کارخانه و از کار انداختن حمل و نقل کالا، سومین روز از اعتصاب متحدانه خود را سپری کردند. کارگران در سومین روز از اعتصاب با راهپیمایی در خارج از کارخانه و دادن شعارهای: «درود بر کارگر/ مرگ بر ستمگر – بانک ملی حیا کن/ گروه ملی رو رها کن» مدیریت احمقانه شرکت را زیر سوال بردند. خواسته های کارگران در سومین روز: بازگشت به کار اخراجی ها، همسان سازی دستمزد با دیگر کارخانه های فولاد، اجرای کامل و فوری طرح طبقه بندی مشاغل، برکناری مدیرعامل فاسد و خلع ید از مالکیت بانک ملی و شورایی شدن مدیریت کارخانه. مدیرعامل کنونی که دست پخت سرمایه داری مالی هار است نه از صنعت سر رشته دارد و نه مفهومی از مدیریت را درک می کند. مافیای لانه کرده در دولت خواب آشفته ای را برای طبقه کارگر دیده است و آن گرسنه نگه داشتن زحمتکشانش و ارزان سازی نیروی کار به دستور صندوق بین المللی پول و مشاوره

های اتاق بازرگانی با همفکری و کارگردانی افراد ضد کارگری چون غنی نژاد است که لایحه هفتم توسعه از آن بیرون آمده است.

۴- فولاد همچنان در خروش!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران فولاد امروز سه شنبه ۴ دیماه همچنان پر خروش برای دستیابی به خواسته های خود بودند. از روز و شب گذشته که کارگران اختیار درب های ورودی و خروجی شرکت را به دست گرفته اند با استقرار ماشین های پلیس روبرو گشتند، ولی با خونسردی موضوع را مدیریت نمودند. آنها پارها در شعارهایشان: «نه تهدید نه زندان/ دیگر اثر ندارد» را تاکید کردند. کارگران با خود پلاکاردهایی را حمل می کردند که خواستار خلع ید از بانک ملی بوده و حتا عکس آیت اله خامنه ای را با خود حمل می نمودند که نشان دهند فقط به دنبال حقوق از دست رفته خود هستند. امروز پلاکارد جدیدی در دست کارگران دیده می شد که خواستار حذف پیمانکاری و تبدیل کارگران به قراردادی بودند. سخنرانان کارگری تاکید بسیار به اتحاد و وحدت کارگران داشتند.

۵- فولاد مصمم است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز چهارشنبه ۶ دیماه، کارگران مصمم فولاد همانند روزهای گذشته به راهپیمایی اعتراضی خود در خصوص اخراج همکاران و اجرا شدن طرح طبقه بندی مشاغل، ادامه دادند. آنان در پایان امروز ساعت ۴ بعدازظهر شعار: «مشکل ما حل نشه/ اهواز قیامت میشه» را برای اتمام حجت با مسوولین شهر و فولاد به ویژه بانک ملی سر دادند. کارگران با این پیام، مسوولین بی عرضه بانک ملی و شهر را خطاب قرار داده و مسوولیت اتفاقات پیش رو را از خود سلب کرده و از فرسایشی کردن اعتراضات خود، هوشمندانه آگاه هستند. بی تردید از هفته بعد شکل و سطح مبارزات فرق کرده و به

سطح دیگری ارتقا خواهد یافت که به معنی «ما را به هموردی خود نخوانید که پشیمان خواهید شد» است.

۶- مذاکرات شکست خورد!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از ۶ روز اعتراض و راهپیمایی مداوم کارگران فولاد، مسوولین بانک ملی، اداره کار اهواز، نماینده نهادهای امنیتی، امام جمعه شهر و مدیرعامل شرکت جلسه ای را با جمعی از نمایندگان کارگران برگزار کردند که در نهایت با شکست روبرو شد. در این جلسه کارگران موضوع بازگشت به کار کارگران اخراجی را مطرح کردند که با مخالفت نمایندگان حاضر قرار گرفت. آنان دلیل اخراج این کارگران را قانون شکنی عنوان کرده و راضی به بازگشت آنان به کار نبودند. ۳ ساعت مذاکره بدون هیچ دستاوردی به پایان رسید و نهایتن کارفرما تهدید به پرونده سازی و اخراج بیشتر کارگران را به نمایندگان ابلاغ کرد. کارگران اعلام کردند که اعتصاب ادامه خواهد یافت و گستره آن از حوزه کارخانه فراتر خواهد رفت. همانگونه که در گزارش دیروز یادآور شدیم سطح اعتراضات از شنبه به سطح بالاتری ارتقا خواهد یافت مگر اینکه در ۲۴ ساعت آینده تغییری در توازون قوا و تصمیمات کارفرمایی رخ دهد. خواسته های کارگران که امروز به کارفرما داده شد به شرح زیر است: ۱- بازگشت به کار کارگران اخراجی ۲- اجرای کامل طبقه بندی مشاغل ۳- همسان سازی حقوق مشابه فولاد اکسین ۴- قراردادی شدن کارگران شفق ۵- مشارکت در مدیریت کارخانه و خلع مالکیت از بانک ملی و برکناری مدیرعامل فعلی

کارگران هوشیارانه و با خرد جمعی اوضاع را زیر نظر دارند و فرسایشی کردن اعتراضات را متوجه و به همین دلیل سطح و شیوه مبارزه را مبتکرانه تغییر خواهند داد.

توصیه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و دوستان سندیکالیست قدیمی در نیشکر هفت تپه این است که مواظب نفوذی ها و کارگردستان تقلبی باشند. اتحاد خود را حفظ کرده

و بر محکم تر کردن آن بکوشند. اگر جمعی نظری خلاف اکثریت دارند را با گفتگوهای طولانی و مشفقانه و رفیقانه مجاب کنند تا با کمترین خلل مبارزه را پیش ببرند.

موفقیت کارگران فولاد خوزستان موفقیت همه کارگران ایران است.

۷- اعتصاب در فولاد و نفت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در هفتمین روز از اعتصاب کارگران فولاد، ۸ دیماه، کارگران با کنترل شبانه روزی مبادی ورودی و خروجی شرکت پیام رسایی را به مسوولین و مدیران گروه ملی فولاد ارسال کردند که تا تحقق خواسته های کارگران اعتصاب همچنان ادامه خواهد داشت: «اینجا ایستاده ایم و همه توطئه ها و ترفندها را با اتحادمان از بین خواهیم برد. پیروز این میدان میایم»

در عرصه اعتراضات کارگران رسمی نفت در شرکت فلات قاره، سکوهای لاوان، سیری، بهرگاتسر، خارک امروز جمعه اهم خواسته های خود را به شرح زیر اعلام کردند: ۱ - برکناری مدیران نالایق و آفت منابع انسانی ۲ - حذف سقف حقوق کارکنان مناطق عملیاتی نفت ۳ - اصلاح و افزایش حداقل حقوق کارکنان جدید استخدام شده ۴ - برداشتن عناوین اصلی تخصصی و پشتیبانی عمومی و منع تفکیک کارکنان شاغل در یک نقطه مشترک جغرافیایی ۵ - حذف سقف پاداش سنوات بازنشستگی بازنشستگان کارکنان عملیاتی نفت ۶ - فراهم کردن زمینه های قانونی معافیت مالیاتی کارکنان شاغل در مناطق عملیاتی نفت ۷ - پرداخت معوقات اجرای ماده ۱۰ ۸ - ضرورت رعایت صحیح مفاد ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزیر نفت در خصوص استقلال اداری کارکنان عملیاتی نفت از قانون مدیریت خدمات کشوری.

در هر دو اعتصاب خواسته های مشترکی نهفته است: برکناری مدیران نالایق، افزایش حقوق، رعایت قانون کار و آیین نامه های نفت. مدیران نالایقی که نه عرصه نفت را می شناسند و نه می دانند صنعت فولاد چیست. مدیرانی با تفکر بازاری در عرصه های مهم صنعت گماشته می شوند تا خواست تبهکاران نئولیبرال را اجرایی کنند: ارزان سازی نیروی کار و قانون زدایی از عرصه کار با محوریت دستاوردهای کارگری.

آنچه آنان نمی دانند عدالتخواهی و سهم خواهی زحمتکشان از ثروت ملی یکصد سال است که در رگهای زحمتکشان رسوب کرده و نا زدودنی است. مبارزه تا محو سیاست های تبهکارانه نئولیبرالیسم ادامه دارد.

۸- توافق یا تفرقه؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، روز شنبه با توافق جمعی ۳ هزار کارگر گروه‌ملی فولاد اهواز، نمایندگان برای دستیابی به توافق و اجرایی شدن خواسته‌های خود در استانداری خوزستان در اهواز با حضور مقامات اداره کار، استانداری، بانک ملی، و مدیرعامل به مذاکره نشستند. توافق شد: «کارگران اخراجی به کار بازگردند، ۱۰ میلیون تومان هر ماه بطور موقت برای طرح طبقه بندی مشاغل از آخر دیماه و با احتساب آذرماه، به حساب کارگران تا اسفند ماه واریز شود تا تکلیف همسان سازی و طرح طبقه بندی مشاغل در این مدت معلوم شود.» اما آنچه در این مذاکرات فراموش شد قراردادی شدن و شرایط برابر کاری کارگران پیمانکاری شفق راهیان اکسین با کارگران فولاد بود که در خواسته‌های اعتصاب، این موارد ذکر شده بود. اینکه کارگران فولاد خواستار همسان سازی حقوق برابر با دیگر شرکت های فولادی هستند اما دوستان پیمانکاری اکسین را فراموش می کنند، تناقضی است که فقط کارفرما از آن بهره‌برداری خواهد کرد. هر چند کارفرما به شکایت کردن از کارگران ادامه داده و در پاسخ کارگران که: «اعتصاب خواهیم کرد» کارفرما پاسخ داد که: «تنها در صورت آغاز به کار خطوط تولیدی مبلغ مورد توافق با حقوق آذرماه پرداخت خواهد شد» کارگران را وادار به کار کرد. کارگران در واکنش به این امر، با دادن مهلت ۳ روزه به کارفرما در خصوص اجرای واریز ۱۰ میلیون تومان و بازگشت به کار کارگران اخراجی و توقف پرونده سازی، اعلام کردند: «در غیر این صورت اعتصاب مجددن آغاز و به خیابان باز خواهند گشت. صبوری و استقامت ما را محک نزنید ما فولاد گداخته ایم» سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ضمن پشتیبانی و آرزوی موفقیت، به دوستان خود پیشنهاد می کند موارد زیر را در نظر داشته باشند: اتحاد حداکثری خود را حفظ کنید، برادران پیمانکاری اکسین را فراموش نکنید، در خصوص ۱۰ میلیون تومان موقت هوشیارتر عمل کرده به تجربه کارگران ذوب آهن اصفهان توجه کنید که مجبور شدند بعد از یکسال دوباره اعتصاب کنند. دادن ۳۰ میلیون تومان تا اسفندماه، دانه ای مسموم است برای به دام انداختن شما و تفرقه در میان کارگران فولاد. هوشیار باشید.

اخبار نفت و گاز



۱- آنان که باد می کارند، با توفان روبرو خواهند شد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران رسمی شرکت فلات قاره سکوه‌های نفتی در لاوان، خارک، ابوذر، بهرگانسر، سیری طی نامه ای، به مسولین وزارتخانه نفت هشدار دادند. نامه چنین آغاز شده است: «سلامی نه چندان گرم بنظر می‌رسد اعتراضات پرسنل، برای مدیران نالایق و نفوذی یک امر مستمر و خالی از خطر شده است. گاه‌ها شنیده شده که این نامدیران گفته اند اگر همین روال پیش برود و سرشاخه‌ها را مدنظر داشته باشیم پس از مدتی خودشان خسته شده و مطالبه‌گری را رها خواهند کرد. اما اینها از انرژی بسیار زیاد پرسنل غیور صنعت غافل هستند. اینها نمی‌دانند که پرسنل صنعت، مطالبه‌گری را بر خود فرض میدانند. پرسنل نفت که بخش اعظم آن از ایثارگران می‌باشند، صرفاً مطالبات را یک امر حقوقی و ریالی نمی‌دانند. هرچند که این هم مهم است. اما منظور اصلی، اجرای قوانین و ارجحیت سیستم و قوانین بر فرد است نه بالعکس! بدعت‌هایی که زنگنه و طیف فکری نابکار وی در صنعت نفت جاری کرده‌اند و عناصر آنان در حال حاضر، با قالب ریش و رنگ اصولگرایی و عدالت خواهی قصد ادامه آن اهداف شوم را دارند. وقتی بحث مطالبه‌گری پرسنل محترم و مظلوم صنعت نفت مطرح می‌شود، یعنی اجرای نص شریعت و اجرای قوانین مدنی! نص شریعت یعنی مشروع دانستن مالکیت خصوصی افراد. پس اگر بحث تصاحب صندوق بازنشستگی صنعت نفت را مطرح می‌کنند، یعنی مخالفت با نص شریعت، یعنی تصرف عدوانی مالکیت خصوصی دهها هزار بازنشسته، بازمانده و شاغل! وقتی بدعت سقف حقوق را می‌گذارند، یعنی خلف وعده و قراردادهای شرعی و قانونی. عدم اجرای ماده ده، عودت مالیاتهای اضافه دریافت شده و... همه اینها مصداق بی قانونی کردن و نابود کردن مجموعه مقررات و قوانین جاری مملکت جمهوری اسلامی است. اگر نگوئیم که اینان مصداق مفسد

فی الارض هستند، نادان به قوانین شریعت و قوانین جاری نظام جمهوری اسلامی و همچنین به قدرت پرسنل خدمت صنعت نفت. همچنین جاهل به پیشینه مبارزات به حق صنعتگران نفت. اینان، مدتی با روشهای انگلیسی در پی اختلاف و تفرقه بین پرسنل بودند، روشهای نخ نما! تفکیک حقوق سکو و جزیره و لب آب و پشت آب و... دیگر جواب نخواهد داد. حذر کنید خود را از آزمودن آستان تحمل این نجیبان دور از خانه و خانواده را! کمی تاریخ بخوانید! بیاد بیاورید که اعتصاب پرسنل پالایشگاه تهران چه بلایی سر شاه ملعون آورد. نگذارید در این فصل سرما پرسنل روشهای خاص خود را اعمال کنند. فقط کافی است پرسنل به دلیل رسیدن کارد به استخوان، یک روز اسکله تی خارک، یک روز در عسلویه، فقط یک روز سکوها و پالایشگاهها را تعطیل کنند، آن وقت عمق فاجعه را خواهید دید. بنابراین، وزیر محترم تا قبل از هر اتفاقی این مطالب را بگوش سران قوا و تصمیم گیران اصلی نظام جمهوری اسلامی برسانند تا در زمان فاجعه کاسه چه کنم چه کنم در دست نگیرند. به امید سربلندی ایران و ایرانی

۲- وام قرض الحسنه شرکت نفت!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وام قرض الحسنه نفت با تمام سر و صدایی که کرد، معلوم شد به کارگران کم سابقه و دارای رتبه پایین تعلق نمی گیرد. شیوه امتیاز بندی وام قرض الحسنه به نفع کارگران با سابقه ای است که از دیگر امتیازات شرکت نفت هم بی بهره نمانده اند. کارکنان کف حقوق بگیر به دلیل اینکه امتیاز ۱۰۵ را نمی توانند کسب کنند مورد تبعیض قرار می گیرند. به جای اینکه تسهیلات در اختیار همه، به ویژه افراد با حقوق کم قرار بگیرد که بتوانند مشکلات زندگی شان را برطرف کنند، مدیریت نادان شرکت نفت برعکس عمل کرده و وام را در اختیار سقف حقوق بگیران قرار داده است. کارگرانی که از سال ۱۳۹۹ به بعد مشغول کار شده اند واجد شرایط برای گرفتن این تسهیلات نمی شوند چون در امتیاز

بندی کم می آورند. یکی از خواسته های کارگران و کارکنان شرکت نفت رفع تبعیض های این چینی است.

۳- از شرکت بازرگانی پتروشیمی چه خبر؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از شرکت بازرگانی پتروشیمی که سال ۹۰ به ثمن بلخ به سرمایه گذاری ایران واگذار شد جز جنازه ای باقی نمانده است. شرکتی که سالیانه بیش از ۱۰ میلیارد دلار صادرات محصولات پتروشیمی داشت به فلاکتی افتاده که ۱۸ ماه است بابت بازنشستگی و پس انداز پرسنل ریالی به صندوق واریز نکرده است. در این شرکت دزد بازار هر روز مدیران نالایق که اکثرا قراردادی هستند بلای جدیدی بر پرسنل رسمی نازل می کنند: حق خصوصی سازی که تحت عنوان تفاوت تطبیق می پرداختند ۴ سال است که فریز شده، عیدی دولتی می دهند میگویند نفتی هستید، ساعت کار اما کارگری است، ترفیعات یکسال است که متوقف شده، میگویند نفتی نیستید، از وام قرض الحسنه خبری نیست، نفتی نیستید، کالا کارت نمیدهند، میگویند نفتی نیستید، مالیات را طبق بخش خصوصی حساب میکنند، پاداش بازنشستگی و سقف حقوق را طبق نفت اعمال میکنند، میگویند نفتی هستید، خلاصه از پرسنل رسمی، شترمرغی ساخته اند و از هر طرف هر قانونی به ضرر ماست اعمال میکنند. به کجا باید شکایت کنیم؟ این شرکت که پس از خصوصی سازی پرونده های متعدد دزدی در ابعاد میلیاردی در آن رخ داد و دادگاههای متعددی برگزار و افرادی محکوم شدند حال با حکم ۱.۱ میلیارد دلاری دادگاه مواجه شده که برای تادیبه آن اقدام به فروش کل اموال شرکت از جمله ساختمان میدان ونک کرده اند. با فروش تمام اموال این شرکت اعلام ورشکستگی خواهد کرد و آنوقت است که بازنشستگی پرسنلی که این برند جهانی را با جوانی خود ساختند بر باد خواهد رفت و در زمان پیری حتی از داشتن درمان هم محروم خواهند شد به کجا باید شکایت کنیم؟ کدام مرجع؟ کارگران شرکت بازرگانی پتروشیمی

۴- اعتراضات ادامه دار کارگران رسمی نفت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران رسمی نفت شاغل در شرکت فلات قاره در روزهای جمعه در سکوهای لاوان و بهرگان، روزهای یکشنبه در سکوهای سیری - خارک و شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری، سه شنبه منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی و چهارشنبه ها شرکت ملی حفاری در میدان گازی دی استان فارس بر خواسته های: «۱- برکناری نفوذی ها و مدیران نالایق ۲- حذف سقف حقوق و اصلاح کف حقوق ۳- حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی ۴- اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ۵- تفکیک نکردن مشاغل در مناطق عملیاتی و تبعیض میان کارگران» را خواستارند. همچنین با تصمیم اخیر وزارت نفت در خصوص کارگران استخدامی سال ۹۳ به بعد و کسر معادل ریالی یک

گردد (۵ درصد) از آنان، کارگران شاغل در اهواز و سایر مناطق تصمیم گرفتند در روز شنبه ۲۳ دیماه ساعت ۹ صبح در محوطه ی ستاد شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب روبروی بلوک ۱ تجمع اعتراضی داشته باشند. آنان اعلام کردند: «کارگران نفت نباید در دام تفرقه انگیزی مافیای نفت بیفتند. کف بگیر و حداکثر بگیر، کارگر نفت و کارگر گاز، همگی یکی هستیم و تبعیض و ظلم بر همه ما روا داشته می شود. آتشی که بدست مسولین «کت گشاد» و مدیران «کوتوله» روشن شده را با اتحاد خود پاسخ خواهیم داد.»

۵- تجمع کارگران نفت!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، همانگونه که دیشب خبررسانی کرده بودیم امروز کارکنان استخدامی سال ۹۳ به بعد در اهواز تجمع اعتراضی خود را برگزار کردند. ۴۰ نفر از کارکنان استخدامی سال ۹۳ به بعد با تجمع در مقابل دفتر مرکزی ستاد مناطق نفتخیز در مخالفت با تصمیم مسول مبنی بر حذف ریالی یک گرید از آنان اعتراض خود را اعلام کردند. با آنکه توقع می رفت دیگر استخدامی های سال ۹۳ به بعد هم به این اعتراض بپیوندند متأسفانه از این تجمع اعتراضی حمایتی به عمل نیامد. بی تردید این کارکنان می بایست از قبل هماهنگی لازم را با دیگر دوستان خود به عمل می آوردند تا اعتراضی قدرتمند شکل بگیرد.

۶- فرار راه چاره نیست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۴ دیماه هم زمان با حضور خجسته مهر مدیر عامل شرکت نفت در نمایشگاه ساخت تجهیزات نفتی در اهواز، کارگران بومی از کار بیکار شده پتروشیمی ها، کارگران قرارداد معین، کارگران پروژه ای اهوازی بیکار شده در پروژه های نفت و گاز و جوانان بیکار غیزانیه و هویزه با تجمع اعتراضی در محل سالن افتتاحیه نمایشگاه خواستار دیدار با مدیر عامل بودند که با ممانعت نیروهای حراست نمایشگاه و محافظین مدیر عامل روبرو شدند. با این برخورد اعتراضات کارگران بالا گرفت و متأسفانه

با برخورد غیراخلاقی مدیرعامل و خودداری از حضور در جمع کارگران و بدون شنیدن خواسته های این افراد برنامه خود را نیمه کاره گذاشته و محل را ترک کرد. سالهاست که کارگران پروژه ای شاغل در پتروشیمی ها و پالایشگاهها پس از اتمام کار و راه اندازی این مراکز تولیدی، مدیران این مراکز به جای استفاده از تخصص کارگران شاغل نه تنها آنان را بیکار کرده بلکه گاهی با گذاشتن آزمون های نمایشی افراد دیگری را که سفارش شده مقامات هستند از استانهای دیگر به جای آنان می گمارند. در حالی که کارگران بومی و شاغلین قبلی این پروژه ها محق تر و با انگیزه تر و مجرب تر از کارگران جدید می باشند.

اخبار پروژه های نفت و گاز

۱- اعتصاب در استیم!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۷ آذر ماه کارگران شرکت استیم پتروشیمی ایلام دست به اعتصاب زدند. هیات مدیره و مدیرعامل شرکت استیم مدتهاست کارگاه را به امان خدا رها کرده اند. این شرکت در حال حاضر نه سرپرست کارگاه دارد و نه مدیر پروژه. کارگران که از شهریور ماه تاکنون دستمزدی دریافت نکرده اند و بی خیالی مدیریت استیم را در قبال کارگران و پیمانکاران کوچک را به چشم خود می بینند عصبانی شده و درب اتاق سرپرست کارگاه را شکسته و به اعتصاب نشستند. کارگران خواهان انتصاب مدیری لایق جهت اداره امور کارگاه بوده و پرداخت صورت وضعیت های تیرماه تاکنون پیمانکاران را خواستارند تا این پرداخت ها عاملی برای پرداخت دستمزد کارگران شود.

۲- برای پیمانکاران شیاد کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران پروژه ای خط گاز میناب به جاسک به پیمانکاری علی بهرمنند (تست خط لوله) حق کارگزارانش را با دروغگویی و عهد شکنی ضایع می کند. روز استخدام با کارگر ۷/۲۳ قرار می بندد ولی موقع پرداخت حقوق ۵/۲۰ حساب می کند. بیمه کارگزارانش را کارگر ساده رد می کند. این پیمانکاری مقررات کمپین ۱۰/۲۰ را رعایت نمی کند و مشمول تحریم کارگری است. از همه کارگران تست من می خواهیم به این پیمانکاری برای کار نروند تا این شیاد بدون کارگر بماند یا مقررات کمپین را رعایت کند و یا اینکه از پروژه ها بیرون انداخته شود. اتحاد ما باعث تغییر زندگی و کارمان خواهد شد. کمپین ۱۰/۲۰ پیروز است.

۳- در مخازن ذخیره جاسک چه می گذرد؟



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت پترو امید آسیا که در مخازن ذخیره جاسک مستقر است با پیمانکاران خود شرکت پایدار پولاد پیشرو به اختلاف مالی برخورد کرده و به همین خاطر شرکت پایدار پولاد پول پیمانکاران زیر مجموعه خود یعنی شرکت های آران جوش هفشجان و کیوان گستر هفشجان را پرداخت نکرده است. ۵ ماه است که این کشمکش باعث شده تا دستمزد کارگران بازیچه این اختلافات بچگانه بشود. کارگران به اداره کار و فرمانداری جاسک مراجعه کرده اما این دو نهاد از خود واکنشی نشان نداده و کارگران را سرگردان نموده اند. شرکت بدنام پترو امید آسیا در پروژه مخازن ذخیره جاسک از بدحساب ترین شرکت های منطقه می باشد. مدیرعامل پترو امید آسیا با آنکه از مخازن ذخیره پول خود را گرفته اما پولی به پیمانکاران زیر دست خود پرداخت نمی کند. از 20 مهرماه که کارگران دست از کار کشیده و از ائل آبان به خانه های خود رفته اند هنوز پول ۵ ماه کارکرد این کارگران پرداخت نشده است. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به کارگران توصیه می کند برای حمایت از برادران خود برای کار به این شرکت بدنام مراجعه نکرده این شرکت را تحریم کارگری کنند.

۴- برای کار به شرکت آذرستان نروید!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در روزهای اخیر شرکت عمران آذرستان برای کار در شهر بوشهر آگهی استخدام جوشکار برق و آرگون داده است. مدیران دروغگوی این شرکت پشت تلفن حرف های خوب می زنند اما در محل کار و هنگام استخدام حرف هایشان عوض می شود تا کارگری که کیلومترها از خانه دور شده است را به پیشنهادهای حقیرانه خود مجبور کنند و چون زمستان است هرگونه عهدشکنی را بر خود واجب می دانند. کارگری که تست جوشکاری برق و آرگون را قبول شده را آقای رستمی مسوول کیوسی به عنوان جوشکار لوله قبول می کند. پشت تلفن به کارگر می گویند برای کار جوشکاری برق و آرگون برای ۲۳ روز ۲۵ میلیون پرداخت خواهند کرد و همینکه کارگر پایش به شرکت می رسد و بعد از امتحان به او می گویند حقوق شما ۲۳ میلیون برای ۳۰ روز کار است و بیمه و مالیات هم بطور کامل از حقوق شما کسر خواهد شد. دوستان برای این شرکت های دروغگو کار نکنیم. بارها به کارگران گفتیم که قبل از حرکت از دیگر کارگران وضعیت اینگونه شرکت ها را استعلام بگیرند بعد حرکت کنند. در ضمن وقتی مقررات کمپین ۱۰/۲۰ را رعایت نمی کنید اینگونه شما را بازی خواهند داد.

۵- شخصیت کاری خود را حفظ کنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نامه ای به دستمان رسید که آن را منتشر می کنیم: «حدود دو هفته پیش شرکت توسعه صنعت لنگان برای کار اورهال دوماهاه اعلام نیاز نیروی جوشکار و فیتز و نیروی مکانیکال نمود. من هم برای جوشکاری مدارک لازم را برایشان فرستادم. مدیر پروژه آقای درویش و یک سرپرست به نام شهباز محمدحسینی بابادی کار استخدام را بر عهده داشتند. حقوق جوشکار را ۱ میلیون و پانصد تا دو ۲ میلیون تومان اعلام کرده بودند. اما چون جوشکار زیاد بود کارگران قبول کردن که زیر یک میلیون کار کنند. هنگام مصاحبه آقای محمد حسینی با توهین و تحقیر با نیروها برخورد می کرد و متأسفانه تعداد از جوشکاران که ۸ نفرشان مملی بودن قبول کردن که علاوه بر کار جوش،

مونتاز و برش باز، و بسته کردن پیچ سایت را نیز انجام بدهند آنهم زیر یک میلیون تومان. نمی دانم چرا کارگران درس های کمپین ۱۰/۲۰ را که اتحاد همه کارگران برای دستمزد بیشتر و حفظ شخصیت کارگری بود را فراموش کردند و به نصف قیمت حاضر به کار شدند»

۶- نام علی کریمی پیمانکار را به یاد داشته باشیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، علی کریمی پیمانکار شرکت بام دژ مستقر در پتروشیمی کرمانشاه (سنقر) با گول زدن و دادن وعده های دروغین، کارگران را به محل کار کشانده پس از مدتی کار کردن کارگر و ندادن دستمزد، در صورت اعتراض آنان را به مرخصی فرستاده و هرگونه که دلش می خواهد حقوق آنان را محاسبه کرده و بطور تحقیر آمیزی با آنان برخورد می کند. این پیمانکار در ماه گذشته وقتی کارگران به دلیل پرداخت نشدن دستمزدشان اعتصاب کرده و در خوابگاه مانده بودند صبحانه، نهار، شام کارگران را قطع و به کمپاس هم دستور داده بود کارگران را از کارگاه بیرون کند. علی کریمی بی شخصیت نه تنها مقررات کمپین ۱۰/۲۰ را رعایت نمی کند بلکه با کارگران ۶/۲۴ رفتار می کند. علی کریمی که نام شریف مردم سنقر را بدنام کرده است به سوپروایزر خود رامین حیدری بی همه چیز اجازه درصد گرفتن از کارگران را داده است. این پیمانکار نه تشکی برای کارگر می گیرد و نه حقی برایشان قایل است. غذای افتتاح را بدون میوه به خورد کارگر می دهد. برای ۲۴ روز کار به جوشکار آرگون ۳۵ میلیون، فیتز ۲۸ میلیون، کمکی روزانه ۴۰۰ هزار تومان و لیست بیمه کارگران را هم کارگر ساده به بیمه تحویل می دهد. علی کریمی را مردم سنقر خود تنبیه خواهند کرد تا آبرویشان را نبرد.

۷- اعتصاب در هلدینگ خلیج فارس!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت پترو نیرو صبا مستقر در اهواز از شرکت های اقماری هلدینگ خلیج فارس با ندادن ۴ ماه حقوق کارگران خود، یک هفته در اعتصاب به سر می برد. این شرکت که برای طرح های نمک زدایی از نفت در مارون ۳ و ۵ و ۸ پالایشگاه بید بلند برای هلدینگ خلیج فارس کار می کند تا نفت سبک برای صادرات مهیا کند. این شرکت با وعده های دروغین تاکنون کارگران را سرکار نگه داشته است. مدیریت این شرکت با بهانه عوض شدن مدیریت، قراردادهای پیشین را لغو و با عهدشکنی و خلاف مقررات کمپین ۱۰/۲۰ و قانون کار می خواهد با کارگران قراردادهای اداره کاری ببندد. مدیریت اعلام کرده: «هرکس این قراردادها را امضا نکند اخراج خواهد شد» لیست بیمه این کارگران ۲ ماه است که تحویل سازمان تامین اجتماعی نشده تا حق بیمه کارگران اخراجی را به جیب بزند. این هلدینگ مافیایی که با پاسخ سخت کارگران اعتصابی روبرو شده است نه تنها از نیروی انتظامی برای شکستن اعتصاب استفاده کرده است بلکه با پرونده سازی

برای کارگران آنان را تهدید به تحویل دادن شان به مراجع قضایی نموده تا به این وسیله آنان را وادار به کار و شکستن اعتصاب کند. این شرکت خلافکار حتا نتوانسته است کرایه ماشین آلات اجاره ای و پیمانکاران را هم از مهرماه پرداخت کند.



قراردادهای اولیه کارگران و قراردادهای اسارت بار بعدی با این متن منتشر می شود تا کارگران پی به نیت این شرکت پلید ببرند. در قراردادهای فعلی برای کارشناس مهندسی نفت و شغل کارشناس پایپینگ خالص دریافتی را ۱۰ میلیون تومان در نظر گرفته و جالب اینکه برای کارگر و کمکی ها هم همین مبلغ را در قرارداد آورده است. برای سرپرست ها هم ۱۸ میلیون حقوق اعلام کرده اند یعنی حقوق یک کمکی طبق کمپین ۱۰/۲۰ را برای یک سرپرست در نظر گرفته است. این شرکت فکر نمی کند که با این وسیله مهندسین خود را بی اعتبار و فاقد صلاحیت دانسته است. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها که حامی کمپین ۱۰/۲۰ بوده اند این هلدینگ و شرکت پترو نیرو صبا را تحریم کارگری کرده و از همه کارگران می خواهد برای این شرکت خلافکار کار نکنند تا این شرکت ها بدون کارگر مانده مجبور شوند مقررات ۱۰/۲۰ را اجرا کنند. حفظ شخصیت کارگری اولین قدم برای گرفتن حق است. کارگر متحد کارگر.

۸- اعتصاب در هلدینگ خلیج فارس ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به ۸ مین روز اعتصاب کارگران پترو نیرو صبا هلدینگ خلیج فارس، امروز ۲۲ دیماه کارگران این شرکت با نپذیرفتن قراردادهای اسارت بار به اعتصاب خود ادامه دادند. نامه ای از سوی مدیران شرکت به حراست ارسال شده تا نمایندگان کارگران شاغل در طرح های مارون ۳ و ۵ و ۸ را اخراج کرده و سرپرست های کاسه لیس، نام دیگر کارگران معترض را تهیه و به حراست بدهند تا از ورود آنان به پروژه

ممانعت کرده و آنان را به نیروی انتظامی معرفی کنند. سندیکا باز هم به کارگران تاکید می کند، شرکت پترو نیرو صبای هلدینگ خلیج فارس تحریم کارگری است و کارگران برای حمایت از برداران اعتصابی خود از کار در این شرکت دروغگو و عهدشکن خودداری کنند.

راهبران قطارهای شهری (مترو) گزارش ی دهند!

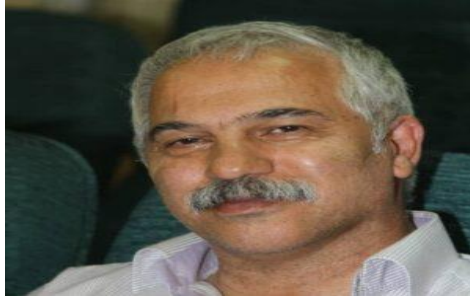
زندگی مردم بازیچه نامدیران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، خط متروی شهرک کارگری پرند با وجود تبلیغات رسانه ای فراوان با یک قطار آغاز به کار کرد آن هم بدون سیستم ایمنی. ATP در هیچ جای دنیا خطوط مترو بدون ATP راه اندازی و بهره برداری نمی شود جز ایران. البته راه اندازی خط مترو بدون ATP فقط مخصوص این دوره از مدیریت شهرداری نیست. اولین بار در زمان شهرداری قالیباف در خط ۴ مترو تست شد که ویریل شدن قطار با مسافر یکی از اولین سانحه های آن زمان بود. متأسفانه خطرات بهره برداری از خط مترو بدون سیستم ایمنی و حفاظتی ATP در ایران به عنوان تنها کشوری که در دنیا اقدام به چنین کاری می کند به رویه ای خطرناک تبدیل شده و شوربختانه ادامه دار است. اگر جان مردم برای آنهایی که به دنبال کارنامه عملکرد و رزومه هستند اهمیت داشت هیچگاه بدون ATP، خطی راه اندازی نمی شد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اعتقاد دارد:

« ما مخالف واردات بی رویه و موافق اعمال نظارتی شدید بر بازرگانی خارجی هستیم.
ما موافق گرفتن مالیات اصولی و برنامه ریزی شده از سرمایه داری انگل تجاری و قماربازان اقتصادی و بانک ها هستیم.
ما موافق دخالت سندیکاهای کارگری و دیگر تشکلهای مردمی در امر مسایل اقتصادی و اجتماعی هستیم، بخصوص در مدیریت تامین اجتماعی و اجرای کامل قانون کار و نظارت بر واحدهای تولیدی بحران زده و همچنین بکارگیری و اعمال دقیق قانون کار، ایمنی و بهداشت کار و تامین اجتماعی در واحدهای تولیدی.»

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد با خبرگزاری ایلنا



کارگران زیادی، خواستار حذف افزایش سن و سابقه بازنشستگی هستند.

مازیار گیلانی‌نژاد، فعال کارگری، در گفتگو با خبرنگار ایلنا، با بیان اینکه «لایحه هفتم توسعه، ناقض قانون اساسی و قانون کار است» خواستار حذف بندهای ضد کارگری برنامه هفتم توسط شورای نگهبان شد. در هفته‌های اخیر طومارهای بسیاری با امضاهای کارگران به شورای نگهبان ارسال شده؛ کارگران زیادی خواستار حذف افزایش سن و سابقه بازنشستگی شده‌اند و انتظار داریم به این خواسته جمعی توسط شورای نگهبان پاسخ مثبت داده شود. گیلانی نژاد اضافه کرد: برای نمونه، در تاریخ ۹ دیماه ۱۴۰۲ نامه اعتراضی توسط بیش از ۴۰۷۰ نفر به شورای نگهبان تسلیم شد؛ این متن به امضای کارگران و بازنشستگان تهران، کرمانشاه، گیلان، بابل، رامهرمز، عسلویه، ایذه و قزوین رسیده بود و با تمام امضاها به شورای نگهبان تحویل شد؛ در این طومار آمده است «ما امضا کنندگان خواهان حذف مواد ضد کارگری لایحه برنامه هفتم توسعه (۱۵، ۱۷، ۴۹، ۶۶، ۶۷، ۱۶۶) که قانون اساسی را نقض کرده است، هستیم» به گفته وی، مهم‌ترین بند ضد کارگری این لایحه، افزایش سن و سابقه بازنشستگی است که آسیب‌های بسیار برای کارگران و همچنین صندوق‌های بازنشستگی دارد. با این بند، بیمه‌شدگان بسیاری ممکن است از بیمه‌پردازی انصراف دهند و اگر تامین اجتماعی واقعاً به دنبال خلق ورودی‌های جدید برای حل بحران ناترازی است، باید خود پیشتاز حذف این بند ناعادلانه باشد و آن را مصرا نه در خواست کند.

اخبار بازنشستگان

دوشنبه اتحاد!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با رایزنی های صورت گرفته در ماههای اخیر امروز جمععات متحدانه بازنشستگان فرهنگی، مخابرات، تامین اجتماعی، لشگری و کشوری تلاش شد در سراسر کشور اجرایی شود. دیروز این اتفاق خوب در کرمانشاه افتاد و امروز در تهران این جمع متحد در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع باشکوهی را برگزار کردند.

در قزوین و ایلام بازنشستگان فرهنگی تجمع کردند. در ۲۱ شهر از جمله بیجار، کرمانشاه، اراک، ارومیه، تهران، سنندج، مریوان، تبریز، اهواز، اصفهان، اردبیل، شهرکرد، شیراز، کرمان، همدان، بروجرد، خرم آباد، زنجان، ساری، بابل، رشت بازنشستگان مخابرات تجمع کرده خواهان اجرای کامل آیین نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی مقابل شرکت مخابرات شهرشان شدند.

در تهران از قبل ساعت ۱۰ صبح جلوی سازمان برنامه و بودجه پلیس و لباس شخصی ها آمده بودند و در ساعت ۱۰ پلیس از جمعیت حاضر خواست که در یک جا جمع بشوند و متفرق نباشند. بیش از ۴۰۰ تجمع کننده از تهران و از شهرهای قزوین، کرمانشاه، کردستان، بوشهر، گیلان و مازندران که اکثرن تامین اجتماعی، مخابرات، فولاد، فرهنگی و کادر درمان بودند، حضور یافته بودند. حضور بازنشستگان کارگری تهران بیشتر از دفعات قبل بود. مراسم با دادن شعار و سخنرانی های متعدد ادامه یافت. نکته مهم تریبون آزاد بودن این مراسم بود. اکثر سخنرانان خواهان همسان سازی و توجه به معیشت بازنشستگان بودند.

شعارهای اتحاد و وحدت به دفعات تکرار شد: «اتحاد اتحاد/ علیه فقر و فساد – لشکری، کشوری، تامین اجتماعی/ اتحاد اتحاد»



اولین سخنران آقای نورایی از سوی فرهنگیان در لزوم وحدت بازنشستگان صحبت کرد. ناصر آغاچری (بازنشسته تامین اجتماعی) از لزوم رعایت قوانین توسط دولت گفت. ناصر اسالو (بازنشسته تامین اجتماعی) از توطئه مافیا با کمک سازمان برنامه بر علیه مزد بگیران و بازنشستگان توضیح داد. خانم روح زنده (بازنشسته تامین اجتماعی) از مشکلات درمان بازنشستگان و لزوم درمان رایگان سخن راند. تظاهرات کنندگان شعار: «منظور بیا پایین» را دادند تا مسوولین برنامه بودجه در مورد بودجه و وضعیت بازنشستگان در آن، پایین آمده پاسخگو باشند که کسی نیامد اما ۳ نفر بازنشسته کشوری برای گفتگو و آوردن آقای منظور داخل سازمان برنامه و بودجه شدند، که بعدن گزارش کردند: «منظور در هیأت دولت است» ولی حاضر به مذاکره با معاونش نشدند. قرار شد تا قبل از ۱۶ دیماه آقای منظور ترتیب جلسه با نمایندگان جمع را بدهد وگرنه حدود بیستم دی دوباره جلوی برنامه و بودجه تجمع کنند.



برخی از شعارها: «نه مجلس نه دولت/ نیستن بفرک ملت - عزا عزاست امروز روز عزاست امروز/ حقوق بازنشسته زیر عزاست امروز - معیشت منزلت/ حق مسلم ماست - درمان رایگان، آموزش رایگان/ حق مسلم ماست - عدالت کجایی؟ غایب این روزایی - دولت خیانت می کند/ مجلس حمایت می کند - فقط وعده شنیدیم /عدالتی ندیدیم» ساعت ۱۲ تجمع بدون برخورد و دستگیری خاتمه یافت.



یکشنبه های اعتراض! ما دیگه رای نمیدیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بازنشستگان و شاغلین در حالی یکشنبه های اعتراض را برگزار کردند که غالب شعارهای بازنشستگان علیه ناتوانی و وعده های محقق نشده دولت بود. تجمعات در شهرهای تهران، اهواز، کرمانشاه، اراک، اصفهان و مازندران، شوش و مراکز نفتی انجام شد. در جزیره سیری ۳۰ نفر از تلاشگران در نقطه صفر مرزی اعتراض خود را به بی عدالتی و بی قانونی های تحمیلی اعلام کردند. در آغاچاری بیش از ۸۰ نفر از کارکنان در مقابل ساختمان مدیریت شرکت بهره برداری نفت و گاز در اعتراض به گماردن مدیران کیلویی که به دنبال بی انگیزه کردن کارگران می باشند را محکوم کرده و خواستار تحقق خواسته های خود شدند.

۱۵ تن از بازنشستگان فولاد مازندران و بیش از ۲۰۰ بازنشسته فولاد اصفهان با شعار های: «به دزدا رای نمی دیم/ عدالتی ندیدیم، حاصل کار دولت/ غارت جیب ملت» این یکشنبه را به پایان بردند.

در کرمانشاه که مظهر اتحاد بازنشستگان است با حضور ۱۵۰ بازنشسته تامین اجتماعی و فرهنگی و کشوری در هوایی بسیار سرد و با شعار: «معیشت و درمان/ نابودتر از هر زمان، اتحاد اتحاد/ علیه فقر و فساد، تامین اجتماعی از انحصار دولت/ خارج باید گردد» و سخنرانان از: «نمایندگانی که باید مدافع مردم به ویژه زحمتکشان باشند ولی اولین کاری که می کنند در مقابل زحمتکشان می ایستند» انتقاد و اعتراض کردند. سخنران در ادامه گفت: «یکسال است که یکشنبه اینجا تجمع می کنیم و سه شنبه ها هم با کشوری ها فریاد می زنیم درد مشترک داریم و بیا بیاید تا بدتر نشده کاری کنید، اما کو گوش شنوا»

در شوش ۸۰ بازنشسته در مقابل فرمانداری همچنان شعار: «چایی دیش عالی/ سفره ما خالی» را دادند. در اهواز هم ۵۰ بازنشسته پس از راهپیمایی و دادن شعار: «مدعی عدالت/ خجالت خجالت، حاصل کار دولت/ غارت جیب ملت» برای پیگیری خواسته های خود به اداره کل تامین اجتماعی خوزستان رفتند. در اراک هم ۲۰ بازنشسته تجمع داشتند و با شعار: «یه اختلاس کم بشه/ مشکل ما حل میشه» به استقبال این یکشنبه اعتراضی رفتند.



در تهران بیش از ۲۰ بازنشسته پس از آنکه لباس شخصی ها از تجمع آنان مقابل مجلس خودداری نمود و به آنان تاکید کردند: «جمع شدن بیش از ۳ نفر ممنوع است» به مقابل سازمان برنامه بودجه رفته و در گفتگو اعتراضی با ماموران پلیس امنیت از حق تجمع خود دفاع کرده و از افزایش هزینه های زندگی، که زندگی این ماموران را هم تحت تاثیر منفی قرار داده است، صحبت کردند.

متاسفانه با فشارهای پیدا و پنهان و پرونده سازی برای بازنشستگان حضور بازنشستگان در کل کشور و شهرها ناچیز بوده و به همین خاطر امروز اعلام شد که افزایش سن بازنشستگی علیرغم مخالفت زحمتکشان در شورای نگهبان مورد تصویب قرار گرفته است.

زنده باد اتحاد!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۵ دیماه بازنشستگان مخابرات ۱۸ شهر طبق معمول همه هفته برای مطالبات خود به خیابان آمدند. کرمانشاه، زنجان، اراک، تبریز، تهران، بندرعباس، اهواز، رشت، شیراز، خرم آباد، شهرکرد، اصفهان، همدان، ساری، سنج، مریوان، بیجار، ارومیه شهرهای مطالبه گر بودند. در تهران حدود ۲۰۰ نفر از بازنشستگان مخابرات در تجمعی مسالمت آمیز خواسته های خود را در راهپیمایی در محدوده شرکت مخابرات سردار جنگل تا خیابان مخبری به فاصله ی بیش از پانصد متری، بیان کردند. به فاصله هر دوپست متری ایستاده و برای راهپیمایان سخنانی را که حاوی خواسته هایشان بود، بیان می کردند. شعارها: «یه اختلاس کم بشه/ مشکل ما حل میشه، سهامداران عمده/ حق ماها رو خورده، تا حق خود نگیریم/ از پانمی نشینیم، دلاوران دیروز/ حق طلبان امروز، عدالتی ندیدیم/ فقط دروغ شنیدیم، رسانه ها کجایید /به داد ما بیایید، مدیر بی لیاقت؟ استعفا، استعفا، از بس دروغ شنیدیم/ ما دیگه رای نمیدیم»

آنچه در این میان چشمگیر بود و امیدواریم در شهرهای دیگر هم اتفاق بیفتد، پیوستن بازنشستگان تامین اجتماعی تهران در همبستگی با این یاران بود. معیشت، درمان، وضعیت مبهم صندوق های بازنشستگی، حلقه هایی است که بازنشستگان را به هم پیوند می دهد. این اتحاد و همبستگی را باید به فال نیک گرفت و در گسترش آن کوشید. صداقت، صبر، همدلی نکات کلیدی است که در روند مطالبه گری باید همه کوشندگان این راه پیشه خود کنند. زنده باد اتحاد!

بی مسوولیتی مدیر عامل کانون بازنشستگان تهران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، طی هماهنگی های اعلام شده توسط بازنشستگان تهرانی امروز ۲۷ آذرماه جمعی از بازنشستگان تهرانی به کانون بازنشستگان مراجعه کرده و با مدیر عامل کانون، دهقان کیا و عامل دستگیری بازنشستگان در دو هفته گذشته جلسه داشتند.

در این جلسه بازنشسته ای پرسید: «آیا این درسته بازنشستگی را که به دنبال مطالباتشان هستند را دستگیر و با دستبند به دست در خیابانهای تهران بچرخانید؟ شأن بازنشستگان این بود که مثلن از داسرای منیریه به اوین ببرند و آنجا تحویل بگیرند و دوباره به کلانتری جامی برگردانند. تازه کلانتری نه ماشین داشته باشد و نه پولی که ماشین بگیرد و خانواده خود بازنشستگان گرفتن ماشین و اسنپ را تقبل کنند.» دهقان کیا گفتند: «اشکال در مدیریت بازنشستگان مستقل است که چنین اتفاق می افتد»

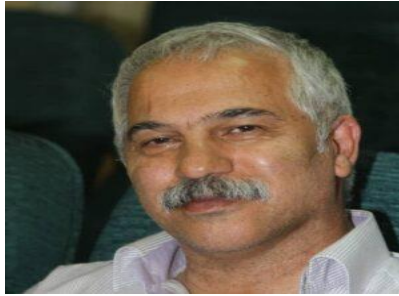
آقای دهقان کیا و هیات مدیره کانون که تمامی زندگیشان را مدیون بازنشستگان هستند از عملکرد خود که به نامه پراکنی مشغولند و فکر می کنند وظایفش در همین حد است، نمی تواند دفاع کرده و جواب قانع کننده ای به سوال کننده بدهد. شعورشان در این حد است که اگر کسی بی عرضگیشان را عیان کند باید او را به دست پلیس بدهند و فکر می کنند کار تمام است. هیات مدیره و بازرسین آنچنان از بررسی مالی کانون در هراسند که به کاندیداهای احتمالی بازرسی کانون از هم اکنون پیام های تهدید آمیز می فرستند و به آنان گوشزد می کنند که شما را به دست پلیس خواهیم داد و فکر کاندید شدن را از ذهن تان بیرون کنید.

هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران فکر می کند چون مجلس و دولت یکدست شده اند این قورباغه ها هم می توانند هفت تیرکش محله شوند و ابو عطا بخوانند. زهی خیال باطل در انتخابات بازرس هزاران نفری شرکت خواهیم کرد.

درمانگاه شهید حیدری هم تعطیل شد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از کلی اخبار ضد و نقیض بالاخره متوجه شدیم که درمانگاه شهید حیدری تهران عملن تعطیل شده است. این در حالی است که حتا هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران هم نمی دانند. یکشنبه ۱۰ دیماه به دنبال مراجعه به کانون بازنشستگان تامین اجتماعی تهران جهت ثبت نام برای کاندیداتوری انتخابات بازرسی کانون بازنشستگان تهران، که قرار است روز ۲۳ دی ماه همزمان با مجمع عمومی رای به تغییر بندی نه از اساسنامه کانون، در سالن اجتماعات نگین انجام شود، شرکت کنم. لذا جهت دریافت معرفی نامه و شرکت موثر در آن به عنوان کاندیدا مراجعه کردم و با دریافت معرفی نامه برای انجام آزمایش عدم اعتیاد!!! مراحل بعدی آن را طی کنم. آقای مجیدی عضوی از هیات مدیره به بازنشسته ای که او هم کاندیدا شده بود، به عنوان راهنمایی آدرس درمانگاه شهید حیدری را جهت انجام این آزمایش میداد که من نیز پس از مراجعه به آن مرکز درمانی مهم، متوجه شدم که ای داد بیداد... بله واقعن میشه گفت این مرکز درمانی مهم با آن عظمتش به نوعی تعطیل شده است. یعنی فقط یک پزشک در حال ویزیت کردن کلی بیمار در انتظار نوبت واقع در طبقه دوم این ساختمان بودند و آزمایشگاه هم بی آزمایشگاه... ساعت مراجعه من حدود ۱۰ صبح بود که بیماری هم همزمان با من مراجعه کرده بود که نوبت بگیرد برای اینکه فقط فشار خونس را آزمایش کند، متصدی پذیرش گفت نوبت تموم شده است و بیخود اینجا نایستید، آزمایشگاه هم تعطیل است. من گفتم: «آقا این چه طرز برخورد با یک بیمار هستش...» ساختمان با آن عظمت که در اجاره تامین اجتماعی بوده، طی سال گذشته با مراجعه صاحب ملک آن به این روز فلاکت افتاده است این نمونه ای از حال و روز یک مرکز درمانی تامین اجتماعی در این سال ها است و متأسفانه هیات مدیره به جای پرداختن به موضوع درمان و افزایش مراکز درمانی کار خود را به دادن روغن و برنج تقلیل داده برایمان بقال سر کوچه شده اند. درمان ما بازیچه دست هوس باز عده ای بی خبر از مسایل بازنشستگان گردیده است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل... **حسن مرادی کاندیدای بازرسی کانون بازنشستگان تهران**

نقش غنی نژادها در انحراف افکار از کثافت سرمایه داری!



اتاق فکر نئولیبرال های وطنی که در اتاق بازرگانی مستقر است و مشاورانی چون موسی غنی نژاد، مافیای خیریه نذر و اشتغال اصفهان، مسعود نیلی و سایر افراد را در بر می گیرد به پیکانی علیه دستاوردهای مردم ایران و زیر پا نهادن اصولی از انسانیت و قانون اساسی، قانون کار، سازمان تامین اجتماعی که به نفع طبقه کارگر برای محدود کردن سرمایه داری هار مصوب شده، تبدیل گردیده است. این اتاق فکر آخرین دستاوردش لایحه هفتم توسعه بوده و تمامی قوانین بالا دستی از جمله اصول ۳ و ۲۹ قانون اساسی، ماده ۴۱ قانون کار را نفی کرده است. این اتاق فکر برای تطهیر سرمایه داری و قوانین آن به هر وسیله ای دست زده و با خاک پاشیدن به چشم مردم تلاش دارند مردم را هرچه فقیرتر و بی پناه تر کرده اموال دولتی را با شعار بازار آزاد و خصوصی سازی در معرض فروش گذاشته و بی دردسر تصاحب کنند. کاری که در روسیه انجام شد و امروز مردم نه تامین اجتماعی دارند، نه کار دارند، نه بازنشستگی و نه زندگی در خور انسان.

این افراد می گویند مردم باید تلاش کنند تا ثروتمند بشوند و اگر نمی شوند از تنبلی و یا بی عرضگی شان است. این افراد اعتقادی به حق حیات انسانها نداشته و ندارند. شعار نئولیبرالیسم در تمام دنیا این است: پول داری زنده بمان، نداری بمیر.

برای نمونه در برنامه پرگار، بی بی سی فارسی، غنی نژاد با دفاع از دولت هایی که واکسن کرونا را به شکل هزینه دار توزیع می کنند، گفت: «دولت هایی که ریسک و هزینه تحقیق در واکسن را داده اند، صاحب واکسن ها هستند و می توانند هرگونه که علاقه مند هستند، به صورت رایگان یا با هزینه، واکسن را در دسترس دیگران قرار دهند؛ اما منطق بازار حکم می کند که بنگاهی که بر سر چیزی ریسک و سرمایه گذاری می کند، از مواهب آن برخوردار شوند، وگرنه آن سرمایه گذاری انجام نخواهد شد.» او در بخشی از برنامه، در پاسخ به مجری که موضوع ناتوانی کشورهای فقیر را در خریداری واکسن کرونا مطرح کرده بود،

گفت: «راه حل این مشکل این است که کشورهای فقیر تلاش کنند و ثروتمند بشوند تا بتوانند هزینه واکسن کرونا را بپردازند.» مجری در واکنش به این سخنان غنی نژاد از او پرسید: «یعنی تا موقعی که کشورهای فقیر ثروتمند نشدند، بروند بمیرند؟!». غنی نژاد در پاسخ به مجری گفت: «نخیر! (کشورهای ثروتمند) باید کمک بکنند. شما در جوامع دموکراسی لیبرال می‌توانید این مباحث را مطرح کنید تا افکار عمومی به دولت‌ها فشار بیاورند و سپس دولت‌ها بروند سهم کشورهای فقیر را بدهند». در این جملات کسی بوی انسانیت را می‌بیند؟

البته آقای غنی نژاد نحوه کمک کشورهای ثروتمند را توضیح نمی‌دهد که اگر نخواستند کمک کنند، تکلیف این جوامع چیست؟ همانگونه که بیل گیتس گفت واکسن را رایگان نخواهد داد چه باید کرد؟ البته معنای این حرفهای غنی نژاد این است که این دولت‌های فقیر باید با حراج کردن اموال خود و گرفتن وام‌های آنچنانی واکسن را تهیه کنند، وگرنه بهتر است بمیرند.

در دوران کرونا دیدیم که چگونه آمریکا دست به دزدی آشکار زد و ماسک می‌دزدید ولی کشورهای فقیر نمی‌توانستند دزدی کنند و در نتیجه مرگ را پذیرا شدند. ایشان موافق این جمله بیل گیتس است که: «من از دادن فرمول واکسن کرونا بطور رایگان به جهان خودداری خواهم کرد چون به دنبال کسب پول هستم» تاخیر در دادن واکسن به بسیاری از کشورها از جمله خود آمریکا باعث شد میلیونها انسان در آمریکا بمیرند. سرزمینی که بیل گیتس را پرورده است.

واقعیتی را که غنی نژاد طرفدار بازار آزاد و سرمایه‌داری نمی‌گوید این است که تفکر ایشان حق حیات را برای انسانها قبول ندارد. ثروت ملی کشور را فقط متعلق به یک گروه کوچک قدرتمند می‌داند. ایشان حتا منشور حقوق بشر را هم قبول ندارد چرا که در آن منشور به وضوح موضوع بهداشت، آموزش رایگان و حق داشتن پوشاک و غذا آمده است.

غنی نژادها، مسعود نیلی‌ها تبهکارانی در جلد پروفیسورهای درس خوانده و شیک هستند. آنان مسلسل و چاقو در دست ندارند اما مشاورها و فرمول‌هایی که ارایه می‌دهند از هزاران تن بمب بدتر است.

از غنی نژادها می‌پرسیم آیا روزی خواهد رسید که همه مردم دنیا ثروتمند باشند و فقری وجود نداشته باشد؟ آن روز چه موقع می‌رسد و چه سیستمی چنین خواهد کرد؟

مازیارگیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران
دیماه ۱۴۰۲

چرا آتش سوزی در پالایشگاهها اتفاق می افتد؟



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شنبه ۲۵ آذر ماه ۱۴۰۲ خبرگزاری ها از آتش سوزی در یکی از واحدهای تقطیر نفت خام پالایشگاه اصفهان خبر دادند. منصور شیشه فروش مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان گفته است: «واحد ۳ تقطیر پالایشگاه نفت اصفهان دچار حریق شده است و حریق در حال اطفاء بوده و دود شدیدی منطقه را فرا گرفته، اما اوضاع تحت کنترل است» در چند ماه اخیر حوادث مشابهی همچون آتش سوزی پتروشیمی غدیر ماهشهر، آتش سوزی واحد پالایش نفتی و هیدروکربنی آشتیان، آتش سوزی پتروپالایش کنگان، آتش سوزی پالایشگاه اصفهان و آتش سوزی مینی پالایشگاه بیرجند که کمتر از یک سال بعد از افتتاح، دچار «انفجار و آتش سوزی» شد به همراه انفجار در مسیر چندین خط لوله انتقال نفت و گاز در استان های مختلف ایران رویداده است. فریدون عباسی، رئیس اسبق سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی با بیان اینکه «خرابکاری صنعتی» و «خرابکاری های غیر صنعتی» می تواند اتفاق بیفتد، افزوده است: یعنی اینکه «نفوذی» وجود داشته باشد و «مواد منفجره» را به حوزه صنعت بیاورد، یا با «خرابکاری» فشار را بالا ببرد، شیری که بسته است را باز کند و مسیر سیالی را تغییر دهد. به نوشته خبرنگاری «مهر»، این آتش سوزی در واحد تولید هیدروکربن منطقه ویژه اقتصادی بیرجند به وقوع پیوست که ۲۲ مخزن در آن مجموعه قرار داشت و از این میزان، دست کم ۱۵

مخزن میعانات گازی دچار حریق شد. آنچه را ما در ۷ مهر ۱۴۰۰ در بررسی حوادث کار توسط کارگران زنده پروژه ای نوشتیم را دوباره می گذاریم تا مشخص شود خرابکاری از کدام ناحیه صورت می گیرد:

«چرا در پروژه ها حادثه رخ می دهد؟»

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پالایشگاه ها و پتروشیمی های کشور به خصوص در بخش هایی که راه اندازی شده و خطوط تحت سرویس می باشد؛ انجام هرگونه فعالیت سرد و گرم فقط و فقط با داشتن پرمیت از واحد پرمیت بخش راه اندازی امکان پذیر است و بدون آن هیچ نیرویی امکان کار کردن ندارد. در صورت نیاز به تعمیر یک خط راه اندازی شده این واحد موظف به چک کردن کامل گیج ها و خط مورد نظر جهت تخلیه کامل خط و اطمینان از خالی بودن خط و سپس تایید پرمیت جهت فعالیت گروه اجرا جهت تعمیر یا تکمیل می باشد. ساعت ۹:۲۰ دقیقه صبح ۵ خرداد ۱۴۰۰ لوله اکسیژن فاز دوم شرکتهای پتروشیمی منطقه عسلویه بر روی لاین ارتباطی (پایپ رک) فاز یک و ۲ روبروی سایت مبین به دلیل عدم کنترل دقیق تخلیه کامل خط توسط نظارت واحد پرمیت و گذاشتن نیروی اجرایی روی خط دچار انفجار شد. متأسفانه بر اثر این حادثه یک نفر در دم جان سپرد و دو نفر دیگر بر اثر سوختگی شدید در بیمارستان فوت شدند. نبود نظارت فنی کامل کارفرما و دستگاههای واحد پرمیت بر کار و همچنین گماردن نیروهایی که توجه لازم به حساسیت کار را ندارند موجب چنین خسارت هایی در پروژه ها می گردد. متأسفانه در این حوادث کارگران طعمه سودجویی و بی مبالاتی کارفرما می شوند و دستگاههای نظارتی وزارت کار هم با دادن گزارشات آبکی موضوع را ماست مالی کرده و با دادن دیه ای ناچیز سر و ته حادثه را هم می آورند. اینکه کارفرماهای ما حتا این مقدار درک را ندارند که دلشان به حال حداقل مواد مصرفی خود بسوزد و تمامی هم خود را گذاشته تا زودتر کار را تحویل دهند و پول خود را بگیرند یک طرف، عدم نظارت دقیق بازرسان شرکت نفت و وزارت کار هم طرف دیگری است که باعث چنین ضایعات و تلفات انسانی می گردد» تا زمانی که پیمانکاری در صنعت و خدمات یکه تاز میدان است رخ دادن اینگونه حوادث اجتناب ناپذیر است.



درد بر خانواده دوستدار طبیعت، جناب بیگدلی، سرکاربانو جابری

و کوچک مرد بزرگ و حامی طبیعت اوستا شیخی از بنیاد پاکبانان محیط زیست رامهرمز در روز پاکسازی ته سیگار.

دورد «جنبش ملی نه به ته سیگار» به این دوستان فرهنگی و زحمتکش

گزارش یونسکو درباره وضعیت «آموزش در کوبا»

بر اساس گزارش یونسکو که با عنوان «آموزش برای همه» انتشار یافته است، کشورهای کوبا، کانادا، فنلاند و کره به ترتیب بهترین عملکرد را در عرصه آموزش به خود اختصاص داده‌اند و در عرصه کیفیت آموزش به عنوان الگو مطرح شده‌اند. گزارش مذکور بر چشم‌انداز ارتقای کیفیت آموزشی تمام کودکان مخصوصاً کودکان متعلق به اقشار آسیب‌پذیر و محروم متمرکز است.

کوبا که کشوری با یازده میلیون و دویست هزار نفر جمعیت است، ۱۰ تا ۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی خود را در امر آموزش هزینه می‌کند که در این زمینه بالاترین نسبت را در کشورهای جهان داراست. فنلاند که پس از کوبا در جایگاه بعدی قرار دارد، ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی‌اش را به امر آموزش اختصاص داده است. در نظام آموزشی کوبا، تحصیل تا کلاس نهم اجباری است و در تمام سطوح و از جمله در سطح آموزش عالی برای همگان رایگان است و تمام وجوه فرد (از جمله آمادگی جسمانی و فیزیکی، ورزش، اوقات فراغت و آموزش‌های هنری) را در بر می‌گیرد و در عین حال محتوای آموزش را با زندگی، کار و تولید مرتبط می‌کند؛ این اقدام از طریق آنچه کوبایی‌ها "نگاه به یکدیگر" می‌نامند، محقق می‌شود. "نگاه به یکدیگر" را می‌توان نوعی رقابت در کار گروهی در نظر گرفت که محرک اعضای گروه برای دستیابی به هدف به عنوان یک امر جمعی است. گزارش مذکور اقدامات آموزشی در کوبا را بسیار "موثر" ارزیابی کرده است. طی کمتر از ده سال پس از انقلاب، بی‌سوادی ۴۰ درصد کاهش یافت و کوبا موفق به کسب نرخ باسوادی ۹۶.۶ درصدی شد. هم‌اکنون نسبت تعداد دانش‌آموز به معلم در مدارس ابتدایی ۱۳.۵ و در کلیه سطوح آموزشی، عدد ۱۵ را نشان می‌دهد. گزارش یونسکو به نخستین بررسی تطبیقی بین‌المللی صورت گرفته در زمینه ارزیابی کیفیت آموزشی در آمریکای لاتین اشاره دارد. این بررسی سطح دستاوردهای آموزشی در حوزه زبان و ریاضیات و کلیه عوامل مرتبط با آن را در میان دانش‌آموزان رده سوم و چهارم ابتدایی در سیزده کشور آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب در بر می‌گیرد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد دانش‌آموزان کوبایی در حالی که

بالاترین نمرات را در زبان و ریاضیات کسب کردند، در مدت زمان کوتاه‌تری دوره آموزشی مورد نظر را تکمیل کرده‌اند. این برآورد در تمام مدارس کوبا صادق است. تمایز در کسب دستاوردهای آموزشی، بر مبنای جنسیت یا سطوح اجتماعی و فرهنگی، بسیار اندک است.

در چنین وضعیتی، برنامه دولت آمریکا با عنوان "کودکان را فراموش نکنید" نتایج معکوسی در پی داشته و نه فقط کودکان بلکه معلمان را نیز به فراموشی سپرده و به حال خود رها کرده است. نسبت تعداد دانش‌آموز به معلم در بسیاری از مدارس آمریکا افزایش پیدا کرده و به ۴۰ دانش‌آموز به ازای هر معلم رسیده است. علاوه بر این، برنامه مذکور به برخی تفاوت‌های فاحش در نظام تحصیلی دامن زده است، به گونه‌ای که فرزندان خانواده‌های کم‌درآمد و محروم هرگز از آن کیفیت آموزشی که فرزندان خانواده‌های ثروتمند از آن برخوردارند، بهره‌مند نمی‌شوند. این شکاف در کیفیت آموزشی معادل دو هزار دلار در سال به ازای هر دانش‌آموز است. همچنین برنامه مذکور راه را برای نظامی کردن مدارس کم‌درآمد هموار می‌کند. این مدارس دو انتخاب پیشرو دارند؛ یا به منظور دریافت بودجه دولت فدرال باید پذیرای خدمات به افراد نظامی تحت استخدام باشند یا با ریسک بستن مدرسه دست‌وپنجه نرم کنند. دولت فدرال عملاً راه هر گونه پیشرفت در بهبود و ارتقای کیفیت آموزشی اقشار آسیب‌پذیر و محروم را با تامین مالی ناکافی و اندک، سد کرده است. بهانه مطرح شده برای عدم تامین مالی، هزینه‌های جنگ‌های بین‌المللی و تامین امنیت داخلی است اما در حقیقت این امر ریشه در تناقضات ذاتی جامعه طبقاتی دارد.

برخلاف کوبا که در آن آموزش و بهداشت اموری اساسی و بنیادی محسوب می‌شوند، برای دولت ایالات متحده، مسموم کردن اذهان جوانان با تبلیغات جنگ‌طلبانه از ارتقای استانداردهای آموزشی برای همگان اهمیت بیشتری دارد.

هیات حاکمه آمریکا درصدد افزایش تحریم‌ها علیه کوبا است. دولت واشنگتن از طریق کمیسیون حمایت از یک "کوبای آزاد"، پیش‌نویس خصوصی‌سازی تمام بخش‌های اقتصاد کوبا را که پس از انقلاب ۱۹۵۹ ملی اعلام شد، تهیه کرده است. گفتنی است، ملی کردن این بخش‌ها برای کوبا، بنیان‌های مادی برای بدل شدن به الگوی ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی در جهان را فراهم کرد.

انسانیت و دیگر هیچ!

باید خیلی جنس وجودت ناب باشد، که دیگران را تحسین کنی و از تماشای موفقیت و خوشبختی آنان لذت ببری.

باید خیلی عمیق باشی، که رنج‌های دیگران تو را غمگین کند و شادی‌های آنان تو را خوشحال...

باید خیلی از عقده‌ها و کمبودها به دور باشی و از انسانیت، سرشار! و آنقدر قوی که شکست‌ها و ناکامی‌ها، از تو یک انسان سرخورده و حقیر نساخته باشند، انسانی بی‌منطق، که علیه دستاوردها و داشته‌های دیگران جبهه می‌گیرد!

باید شخصیت خیلی محکمی داشته باشی، که با وجود چیزهایی که بر تو گذشته، همچنان از اینکه آدم‌هایی هستند که اراده می‌کنند، تلاش می‌کنند و موفق می‌شوند، احساس خوبی داشته باشی.

باید آنقدر اصالت داشته باشی، که برای دیگران هم آرزوهای خوب کنی، برای دیگران هم خوشحال باشی و برای دیگران هم خوب خواهی.

باید به آرامش و خودباوری و رضایت درونی رسیده باشی که بتوانی موفقیت و جسارت دیگران را تحسین کنی.

باید خودت را زیاد دوست داشته باشی و با خودت کاملا کنار آمده باشی.

و چقدر کم‌اند آنان که خودشان را دوست دارند و با خودشان و با جهانشان کنار آمده‌اند...

و چه انگشت شمارند، آنان که به شادی کسانی به جز خودشان هم فکر می‌کنند.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

یک دروغ کوچک و این همه رسوایی

تنها یک دروغ کوچک از رهبری توانا، در يك کشور پیشرفته، چه عاقبتی برای او رقم زد! یکی از قویترین و موفقترین و محبوبترین سیاستمداران تاریخ سوئد خانمی است به نام «مونا سالین» متولد ۱۹۵۷ که در ۲۵ سالگی بعنوان جوانترین نماینده مجلس سوئد انتخاب شد و مرتباً مراحل رشد و ترقی را طی کرد و تا ریاست حزب سوسیال دموکرات هم پیش رفت. در دولت ها هم پست و مقام داشت. چند سال قبل بیشترین شانس را برای تصدی بالاترین پست دولتی سوئد یعنی نخست وزیری را داشت اما.....

اما ناگهان ورق برگشت. در سال ۲۰۱۶ اعلام شد که او یک گواهی دروغ برای محافظ شخصی اش (یک پلیس) صادر کرده است. و زندگی سیاسی پرافتخار مونا سالین به پایان رسید. بله به همین راحتی. باور کنید که زندگی سیاسی اش واقعا به پایان رسید و برای همیشه تمام شد.

موضوع چی بوده؟ محافظ شخصی او میخواست به برای خرید یک آپارتمان ۷۰ متری از بانک وام بگیرد و بانک میخواست بدونه که این متقاضی وام درآمد سالانه اش چقدره مونا سالین بدروغ در نامه ای حقوق ماهانه آن پلیس را بیش از حقوق واقعی اش گواهی میکنه بانک وام را پرداخت می کنه. طرف آپارتمان را میخره و تا کنون هم هیچ کدام از افساطش با تاخیر پراخت نشده ولی مشکل همچنان باقی است کدام مشکل؟ یکی از بلندپایه ترین مسئولان کشور دروغ گفته. کار به دادگاه کشید تا حکم دروغگویی مونا سالین معین بشه. البته مونا سالین قبل از دادگاه اشتباه خود را پذیرفت و اعتراف کرد و به همین جهت در دادگاه حضور پیدا نکرد چون دفاعی نداشت. جریمه اش در دادگاه معادل ۴۵ هزار کرون معین شد (حدود ۴ هزار دلار و حقوق یک کارگر ساده ماهانه ۲۵ هزار کرون است) کاش امکان داشت و متن کامل صحبتهايش را مینوشتم. از جمله گفته: «من اشتباه کردم، من قدر خنده های مردم را ندانستم، من متوجه نبودم که اعتماد مردم چه ثروت هنگفتی است، من دچار فساد شدم، گرچه فسادى که من مرتکب شدم هیچ ضررى به کشور وارد نکرده اما من فساد انجام دادم و این در نتیجه ی کار تفاوتی ایجاد نمی کنه، مردم نباید به کسی اعتماد کنند و مسئولیت انجام کاری را به او پسپارند در حالیکه او ممکن است دروغ بگوید...» مونا سالین بعد از افشای خطایش دیگر هیچ پستی را عهده دار نشد و اغلب مردم ناراحت هستن که چرا دیگر از نبوغ سیاسی او بهره مند نخواهند بود، ولی حزبش همچنان قویترین حزب سوئد است چون طرفدارن حزبش میدانند که هیچ تفاوتی بین رییس حزب و یک شهروند عادى وجود ندارد.

مونا سالین نه مسلمان است و نه ادعای دینداری دارد..... فقط یک انسان واقعی است.

لایحه ضد کارگری، هفتم توسعه!

در لایحه پیشنهادی ضد توسعه دولت ملا ابرام رئیسی به مجلس اختگان پخته بعد از ۶۷ سال، سهم بیمه کارگر از ۷ درصد شد ۸ درصد و سهم دولت از ۳ درصد شد ۲ درصد. اما موضوع به همین جا تمام نمی شود بازنشسته کارگری هم مشمول مالیات شد و سن بازنشسته از ۶۰ سال به ۶۵ سال افزایش یافت. با وجودی که میدانیم اولین قانون کار ایران در ۱۳۲۵ توسط مجلس شورای ملی تصویب شد و تصویب این قانون در نتیجه مبارزات پیگیر ۳ اتحادیه کارگری در ایران بود که «شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران» را تاسیس کرده بودند. دولت لایحه قانون کار را در سال ۱۳۲۳ تصویب و به مجلس فرستاد اما مجلس ۲ سال بعد حاضر به بررسی آن شد. شرکت نفت انگلیس حاضر به پذیرش این قانون نشد و در پی آن با اعتصاب کارگران در بخش‌های مختلف صنعت نفت درگیریهایی گسترده ای میان کارگران و پلیس رویداد. در سال ۱۳۳۷ دولت منوچهر اقبال که خود یک پزشک متخصص عفونی بود با مشاوره سازمان بین‌المللی کار، قانون کار جدید را تصویب و به مجلس فرستاد. این قانون در ۲۶ اسفند ۱۳۳۷ تصویب و جایگزین قانون قبلی که با تلاش اتحادیه‌های کارگری تصویب شده بود، کرد. بعد از انقلاب هم شهید راه آزادی ایران، داریوش فروهر که وزیر کار دولت موقت بود تلاش کرد قانون کار را با تغییرات بسیار جزئی کلمات، به تصویب مجلس خبرگان سپس مجلس اول برساند.

حالا من کارگر بازنشسته، کت درازی به تن کنم فردا بروم کنار ابراهیم متینیان نماینده مجلس از رامهرمز بایستم که به این قانون ظالمانه رای آری داد را توجیه کنم که مثلا چون پسرخاله زخم هست وووووعقلای قوم هم برام شیک(کف) بزنند.

تاریخ نخوانده‌ها بدانند الواح گلی و سنگ نبشته قانون حقوق کارگر و تامین اجتماعی به جای مانده از دوران هخامنشیان موجود در موزه تخت جمشید که بعد از ۲ هزار اندی سال زیر تلی از خاک سوخته و ویرانه پیدا شد بیشتر از این لایحه هفتم ضد توسعه به کارگر رسیدگی می‌کرد.

ابراهیم شیخی کارگر بازنشسته رامهرمزی

آنچه او داشت بر ما می‌فروخت!

آنکه در پیراهن ایمان، به ما شک می‌فروخت
داشت آن دنیای ما را، اندک اندک می‌فروخت.

چون کلاغان، هم به فکر غارتِ جالیز بود
هم به دهقان‌های خوش‌باور، مترسک می‌فروخت.

آنکه خود از ابتدا پرواز را ممنوع کرد،
پیش ما با نیشخندی، بادبادک می‌فروخت.

از همان اول برای سگه‌هامان نقشه داشت،
آنکه عمری بین ما می‌گشت و قلک می‌فروخت.

سالها از آخرت می‌گفت و خود باور نداشت،
سالها این کورِ مادرزاد، عینک می‌فروخت.

آبرو یعنی رضایِ خلق، اما شیخ داشت...
آبروی اندکش را، اندک اندک می‌فروخت.



به احترام رویا حشمتی که زخم شلاق جلادان را بر تن پذیرفت، اما تن به قانون ناعادلانه نداد!

دیوید ثورو، واضع نظریه نافرمانی مدنی، می‌نویسد: "اگر قانون ناعادلانه است، آن را زیر پا بگذار!"

مهاتما گاندی می‌گوید: "زمانی فرا میرسد که سرپیچی از قانون (ناعادلانه) مانند اطاعت از قانون (عادلانه) وظیفه هر انسان با وجدان می‌شود".

مارتین لوتر کینگ می‌گوید: "قانون ناعادلانه اصلاً قانون نیست. همه ما وظیفه اخلاقی داریم از قوانین ناعادلانه سرپیچی کنیم کسی که از قانون ناعادلانه سرپیچی می‌کند تا وجدان جامعه را بیدار کند، بیشترین احترام را به قانون گذاشته است".

از مادر

مادر پیوسته کار میکرد. از صبح که بر می خاست تا شب که خسته میشد باز نمی ایستاد. سالهایی میشد که شویش مرده و جایش را پسر رشیدش گرفته بود. مادر هر روز غذا می پخت. خانه را زُفت و رُوب می کرد. همه جا را تمیز می کرد. جامه ها را می شست و در میانه ی کارهایش زمزمه می کرد و گاهی می ایستاد؛ دستهایش را به کمر می زد. و هرگز خنده از لبانش دور نمی شد. او خیلی شاد بود.

هر روز در نمازهایش دعا می کرد و جز سلامتی و حضور پسرش چیزی از خدا نمی خواست و چون پسرش به خانه باز می گشت در مقابلش می نشست. غذا خوردنش را تماشا می کرد. به سخنانش گوش می داد و گاهی جملاتی کوتاه بر زبان می راند و هراز چندی می خندید بی سبب و با سبب.

مادر از دیدن پسرش سیر نمی شد و از بودن او لذت می برد. جز سلامتی او چیزی از خدا نمی خواست و توقع دیگری از زندگی نداشت. اما همچنان که رسم روزگاران است و هیچ چیز بر یک مدار نمی چرخد؛ اوضاع زمانه دیگرگون شد. پسر جوان خانه و دیار را ترک گفت. او به جنگ رفت تا مدافع سرزمینش باشد.

باز مادر هر صبحگاه از خواب برمی خاست و تا آن زمان که خسته میشد کار می کرد. دیگر، شبها تنها بود. تنهاتر از آن زمان که شویش مرده بود و کسی را نداشت تا بنشیند و سخنانش را گوش دهد و لذت ببرد. با وجود این، باز هم شاد بود. و هر دم چهره شاداب و اندام برومند پسرش در نظرش جلوه گری میکرد. آنگاه تبسم می کرد و آهی کوتاه می کشید و دعا می کرد که پسرش به زودی بازگردد. روزهایی گردید و روزی خبری هولناک برایش آوردند. از آن به بعد، مادر دیگرگون شد. هر صبح که از خواب

برمی خاست هرچند حوصله کار کردن نداشت با بی میلی برخی کارهای واجب را می کرد. دیگر شاد نبود و نمی خندید. زمزمه نمی کرد و آواز نمی خواند. آخر پسرش کشته شده بود. پس بیشتر از هر وقت راه می رفت. از این سو به آن سو؛ از این ور اتاق به آن ور، از این طرف ایوان به آن طرف. فقط راه می رفت و آلهایی طولانی و کشدار می کشید. بعد قطرات اشک از گوشه چشمهایش سُر می خورد؛ از چاله چوله های صورتش سرازیر می شد و حوصله نداشت پاکشان کند. آن قدر راه می رفت که از فرط خستگی از پا می افتاد. می نشست و نمی دانست چه وقت خوابیده است. و باز روز دیگر با تعجب و اندوه از خواب برمی خاست که چگونه است که هنوز زنده است؟! و باز

راه میرفت ... راه میرفت ... راه...!

محمد مسعود فروردین نودویک

پاداش خدمت

پس از سی سال خدمت در اداره
 مرا در پا ست کفش دست دوم
 ندارم جز کُت و شلوار پاره
 کسی چون خود نمی بینم گرفتار
 همانند خیاری دردل خُم
 تهنیدستی چنانم کرده کم هوش
 پس از سی سال و اندی کوشش و کار
 نه مسکن دارم و نه سرپناهی
 که گاهی می کنم خود را فراموش
 نه دهکارم به بقال و به قصاب
 به صاحب خانه هم با برق و با آب
 به صدها درد بی درمان و جانسوز
 به شندرغاز می سازم، شب و روز
 مرا دریافتی در طول یک سال
 نباشد عاید یک روز دلال
 چرا در عصر ما پاداش خدمت
 چنین باشد پس از سی سال زحمت؟

علی جعفری (کارگر) عضو هیات مدیره اتحادیه کارگران شمشک ۱۳۲۳

«اعتصاب کارگران پروژه‌های که در آستانه روز جهانی کارگر دولت را به چالش طلبید، نشان می‌دهد مبارزان جنبش کارگری و سندیکالیست‌ها می‌باید ارتباط با توده‌های کارگر را گسترده‌تر کنند و از این راه سطح سازمان‌دهی و همبستگی در جنبش اعتراضی و اعتصاب‌های کارگری را تقویت کرده و ارتقا دهند. محدوده و حوزه‌های مبارزه و حضور در میان توده‌های کارگر را باید گسترش داد، بر رشته‌های صنعتی- خدماتی که در اقتصاد ملی نقشی محوری دارند نیز باید متمرکز شد. این تمرکز زمینه سازمان‌دهی جنبش اعتصابی‌ای موثر، بادوام، و اثرگذار را امکان‌پذیر می‌کند.»

جمعیت چین برای دومین سال متوالی کاهش یافت!



آمارهای رسمی پکن نشان می‌دهد که با کاهش تولد و افزایش مرگ و میر در چین، جمعیت این کشور طی سال ۲۰۲۳ برای دومین سال متوالی کاهش یافت. چین که بیش از شش دهه رشد جمعیت را تجربه کرده بود و تا همین سال گذشته نیز پرجمعیت‌ترین کشور جهان تلقی می‌شد تا در نهایت جای خود را به هند داد. اداره ملی آمار چین اعلام کرد که تا پایان سال ۲۰۲۳، جمعیت این کشور به یک میلیارد و ۴۰۹ میلیون و ۶۷۰ هزار نفر رسید که در مقایسه با پایان سال ۲۰۲۲، کاهش ۲۰۸ میلیون نفری را نشان می‌دهد. چین در سال ۲۰۲۲ کاهش ۸۵۰ هزار نفری جمعیت را تجربه کرد. چین در سال ۲۰۱۶ به «سیاست تک فرزندی» سختگیرانه خود که در دهه ۱۹۸۰ آن را وضع کرده بود پایان داد و در سال ۲۰۲۱ به زوجها اجازه داد که تا سه فرزند داشته باشند. اما این امر نتوانسته است مسئله کاهش جمعیت را برای کشوری که به نیروی کار عظیم خود به عنوان محرک رشد اقتصادی متکی است، حل و فصل کند. گزارش خبرگزاری فرانسه

سندیکا: این گزارش ذکر نمی‌کند که مردم چین دانسته اند که منابع سرزمین شان کفاف این همه جمعیت را نمی‌دهد به ویژه اینکه با رباتیک شدن صنایع، بیکاری بیشتری به جامعه تحمیل می‌شود و منابع موجود نمی‌تواند این بحران را مدیریت کند. به همین خاطر دانسته و آگاهانه از تولید مثل خودداری می‌کنند.

پژوهش تازه؛ صدها هزار ذره پلاستیکی در یک بطری آب نوشیدنی

نتایج یک پژوهش علمی جدید نشان می‌دهد که به‌رغم تصورات قبلی، آبی که در بطری‌های پلاستیکی فروخته می‌شود، حاوی صدها هزار ذره بسیار ریز پلاستیکی است که به تدریج وارد سلول‌های بدن انسان می‌شود.

به‌گزارش پایگاه داده‌های آکادمی ملی علوم آمریکا، حدود ۲۴۰ هزار ذره پلاستیکی بسیار ریز در بطری‌های آب یک‌لیتری وجود دارد که بیشتر این ذرات تاکنون ناشناخته بوده‌اند. نخستین بار است که چنین پژوهشی درباره وجود نانوپلاستیک‌ها در بطری‌های آب انجام گرفته و موضوع مسمومیت ناشی از این ذرات پلاستیکی را بار دیگر برجسته کرده است. براساس این گزارش، آبی که در بطری‌های پلاستیکی به فروش می‌رسد، حدود صد برابر بیشتر از میزانی که پیش از این تصور می‌شد، حاوی ذرات پلاستیک است. تحقیقات قبلی تنها میزان میکروپلاستیک‌ها در آب بطری‌های پلاستیکی را بررسی کرده بود. میکروپلاستیک‌ها ذراتی هستند که بزرگی آن‌ها به اندازه یک تا پنج هزار میکرومتر است درحالی‌که اندازه نانوپلاستیک‌ها کمتر از یک میکرومتر است. یک میکرومتر (یا میکرون) یک هزارم برابر از یک میلی‌متر کوچک‌تر است و یک نانومتر یک هزارم برابر کوچک‌تر از یک میکرومتر. براساس این گزارش، خطر نانوپلاستیک‌ها بیشتر از میکروپلاستیک‌هاست، زیرا این ذرات بسیار ریز می‌توانند به سلول‌های انسان و جریان خون رخنه کنند و حتی وارد بدن جنین در زن حامله شوند. دانشمندان از مدت‌ها پیش به وجود این نانوپلاستیک‌ها در آب بطری شک داشتند، ولی فناوری‌های مدرن برای شناسایی انواع گونه‌های این ذرات بسیار ریز را در اختیار نداشتند. دانشمندانی که این پژوهش را انجام داده‌اند، ۲۵ لیتر آبی را که در بطری‌های پلاستیکی از طرف سه شرکت بزرگ آمریکایی به بازار عرضه می‌شوند، تجزیه و تحلیل کرده‌اند. براساس تحقیقات این گروه از دانشمندان، در هر لیتر آب بین ۱۱۰ هزار تا ۳۷۰ هزار ذره بسیار ریز شناسایی شده که حدود ۹۰ درصد آن‌ها پلاستیک هستند. در این پژوهش، دانشمندان هفت نوع پلاستیک را که در تولید بطری و یا فیلترینگ آب استفاده می‌شود، بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، دانشمندان هفت نوع پلاستیک را که در تولید بطری و یا فیلترینگ آب استفاده می‌شود، بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیقاتی هم که سال ۲۰۲۲ انجام شده بود، نشان می‌دهد که ذرات میکروپلاستیک موجود در آب بطری بیشتر از آب لوله‌کشی است. در سال ۲۰۲۱ هم گزارشی منتشر شده بود که حکایت داشت حتی باز و بسته کردن بطری‌های پلاستیکی هم باعث ورود ذرات پلاستیکی بسیار ریز به آب درون بطری می‌شود.



عکس رودخانه ای در بوسنی و هرزگوین که مملو از بطری های پلاستیکی است.

سالانه بیش از ۴۵۰ میلیون تن پلاستیک در جهان تولید می‌شود که بخش بزرگی از آن به زباله تبدیل و در زمین دفن می‌شود. پلاستیک مانند چوب و کاغذ و دیگر موادی که برای بسته‌بندی به کار می‌روند، به خودی خود در خاک، آب و به‌طور کلی در طبیعت از بین نمی‌رود، بلکه به ذرات بسیار ریز تبدیل می‌شوند و به چرخه مصرف انسان برمی‌گردند. بسیاری از کشورهای غربی و توسعه‌یافته استفاده از کیسه و یا لیوان پلاستیکی و انواع بسته‌بندی‌های پلاستیکی را منع کرده‌اند، ولی همچنان سالانه میلیاردها لیتر آب فیلترشده در بطری‌های پلاستیکی به فروش می‌رسد.

در تازه‌ترین پژوهش جاری در این باره، مؤسسه جنوبگان آرژانتین با همکاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حال حاضر پروژه‌ای را آغاز کرده‌اند که در آن برای تخمین زدن حجم ریزپلاستیک‌ها در قطب جنوب از علوم هسته‌ای و مطالعه ترکیب آب، رسوبات و حتی مدفوع پنگوئن‌ها استفاده می‌کنند.

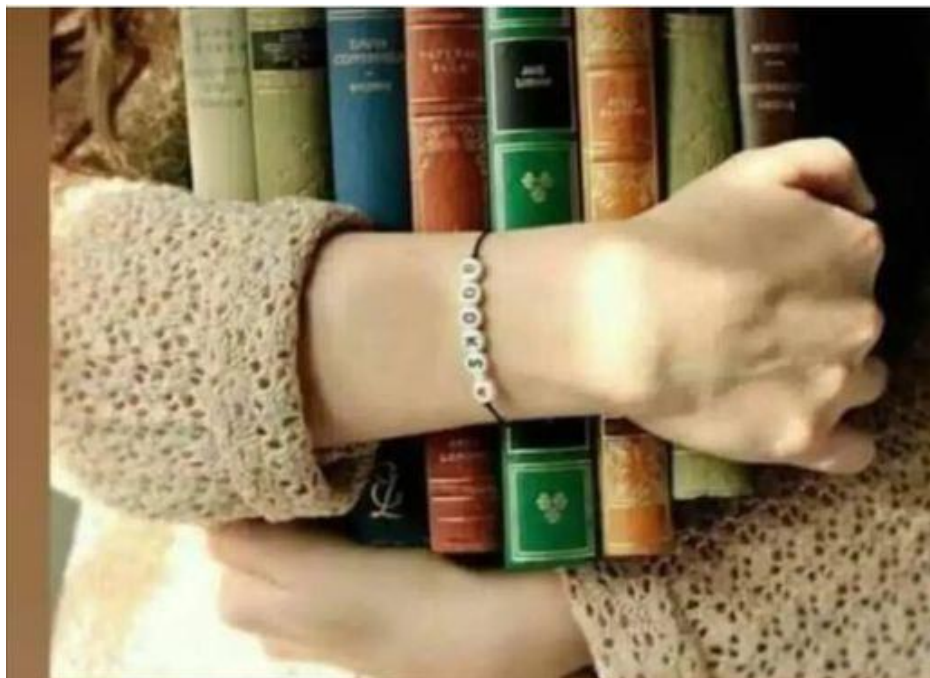
این پژوهش مشترک بخشی از برنامه پژوهشی گسترده آژانس تحت عنوان «طرح فناوری هسته‌ای پلاستیک» است که هدف آن مطالعه میزان آلودگی پلاستیکی در نقاط مختلف جهان است.



از شیخ بهایی پرسیدند؟
 ای شیخ!! خدا را کجا یافتی؟
 فرمود: من خدا را در قلب کسانی دیدم که بی هیچ توقعی،
 مهربانند...

انسان که غرق شود قطعاً می میرد؛ چه در دریا، چه در رؤیا، چه در دروغ،
 چه در گناه، چه در خوشی، چه در قدرت، چه در جهل، چه در انکار، چه در
 حسد، چه در بخل، چه در کینه، چه در انتقام و...

انسان بودن، خود به تنهایی یک دین خاص است، که پیروانش اندک اند. .!



کاش به جای این همه بمب، کسی
کتاب بر سر خاور میانه می ریخت.
آنوقت دیگر کسی برای رفتن به بهشت،
به جنگ نمی رفت!



محمود دولت آبادی در کتاب کلیدر سرنوشت تراژیک رعیت‌های ایرانی و قبایل چادرنشین را به تصویر کشیده است و بر اساس حوادث واقعی نگاشته و به شرح سختی‌ها و رنج‌های روا رفته بر خانواده کلمیشی می‌پردازد.

کلیدر نام کوهی مابین شهرهای سبزوار، نیشابور، و قوچان در خراسان است. دولت‌آبادی رمان کلیدر را بر اساس داستان واقعی گل‌محمد نوشته است. وقتی که سرانجام اربابان و حکومت با تیرباران گل‌محمد به ماجراجویی‌ها و یاغی‌گری‌های این قهرمان مردمی سبزوار پایان دادند، دولت‌آبادی پسر بچه‌ای بود با پنج یا شش سال سن. دوران کودکی او آکنده بود از ذکر اشعار و داستان‌هایی که به مدح و مرثیه‌سرایی گل‌محمد می‌پرداختند. توصیفات بسیاری از روستاها و مکان‌ها در رمان کلیدر دقیق‌اند و بسیاری از شخصیت‌های رمان بر اساس اشخاص واقعی ساخته شده‌اند. اما نباید رمان کلیدر را زندگی‌نامه واقعی گل‌محمد پنداشت؛ کلیدر پیش و بیش از آنکه یک زندگی‌نامه باشد یک رمان است و نویسنده هرگاه که مناسب دیده خیال را با واقعیت پیوند زده است.

پایان داستان زندگی گل‌محمد و یارانش پایانی تلخ است. با حيله و ناجوانمردی او و اطرافیان نزدیکش را به قتلگاه می‌کشاند و سلاخی می‌کنند.

«تصویر اجساد گل محمد و یارانش»

دوستی چیست؟

گاهی ما این قدر تعریف خودمان را از دوستی دوستی سخت می‌کنیم که دیگر هیچ‌کس در آن نمی‌گنجد. آن وقت ما تنها می‌مانیم و از تنهایی شکوه و گلایه می‌کنیم!

به یاد داشته باشیم اگر آدم‌ها مطابق تعریف ما از "صداقت" رفتار نمی‌کنند، به این معنا نیست که «دورو» هستند، به این معناست که طبق تعریف خود از صداقت رفتار می‌کنند!

اگر طبق تعریف ما از محبت، عمل نمی‌کنند بدان معناست که طبق تعریف خود از محبت، عمل می‌کنند و نه اینکه بی مهر و محبت هستند! آدم‌ها در محیط‌های متفاوتی بزرگ شده‌اند و الگوهای متفاوتی دارند. در هر خانواده، ابراز محبت سبک خاص خودش را داشته، آن‌ها به همان شیوه که آموخته‌اند عمل می‌کنند.

اگر متفاوت با خواست ما عمل می‌کنند به این دلیل است که آموزش متفاوتی دیده‌اند نه به این دلیل که می‌خواهند ما را برنجانند و ما را دوست ندارند.

در هنگام یک جشن یا زمانی که سوروسات و بریز پایش در جریان است همه با هم مهربان هستند و از همدیگر پذیرایی می‌کنند، اما هنگامی که در شرایط پراسرس قرار می‌گیریم نجات خودمان چنان برایمان اولویت پیدا می‌کند که از زیرپا گذاشتن حقوق دیگران ابا نداریم.

ولی نکته مهم قضیه همین است که برخلاف تصور، در نظر گرفتن حقوق دیگران امکان بقای ما را بیشتر می‌کند و ما را برای عبور از بحران توانمندتر می‌سازد. زندانبانان ترجیح می‌دهند خصومت اسرا معطوف به یکدیگر شود تا معطوف به آنان.

ترفند زندانبانان این است که اسرا به «نجات فردی» فکر کنند، در حالی که هم سلامت جسمی-روانی تک تک زندانیان و هم نجات آن‌ها از اسارت مدیون همبستگی، همفکری و همدلی آن‌هاست.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

اسب تروا

در اسطوره‌های یونان، کاهن "آپولون" در تروا پنداشت که در "اسب تروا" برخی یونانیان جای گرفته‌اند؛ پس نیزه‌ای به سوی آن پرتاب کرد. "آتنه الهه" طرفدار یونانیان "پوسیدون" را واداشت تا دو مار بزرگ از دریا فرستند؛ و مارها به شکل مرگ‌آوری بر تن کاهن و دو فرزندش پیچیدند. اهالی تروا به گمان آن که او به سبب بی‌حرمتی به اسب، مورد خشم خدایان قرار گرفته، اسب را به درون شهر راه دادند و تروا سقوط کرد. این ماجرا موضوع یکی از مهم‌ترین تندیس‌های بر جای مانده از روم باستان است. حتا زمانی که داشتند اسب را داخل می‌کشیدند «کاساندر» گفت مردم داخل این اسب دشمنان هستند، ولی کسی پیشگویی‌های او را قبول نکرد و بعد از آن هم "کاساندر" دیوانه شد از این که می‌دید همه چیز را پیشگویی می‌کند اما پیشگویی اش را کسی باور نمی‌کند.


داستان "روشنفکر" انگار در جمع یک ملت کم سواد مثل داستان کاساندر می‌ماند پیشگویی‌ها را می‌کند اما کسی به حرف او گوش نمی‌دهد.

بر اساس دیدگاه روانکاوانه گاهی ملتی به این علت که تحقیر می‌شود، ممکن است دچار خودشیفتگی شود. مثلا ملتی که حق انتخاب لباس خودش را ندارد و به راحتی بابت نحوه پوشش ممکن است مجازات شود و تحقیر شود و برای ورود یک مکان عمومی به خاطر مدل مو یا لباسش با شماتت و ممانعت مواجه شود، ممکن است دچار خودشیفتگی شود. چنین شرایطی نشان می‌دهد که ملتی در حال تحقیر شدن است و رأیش حساب نمی‌شود و انتخاب هایش ارزشی ندارد و همیشه باید برای عضویت در شبکه اجتماعی و داشتن ماهواره و نوع پوشش مجرم است و هر لحظه ممکن است یک نفر جلوی او را بگیرد و او را تخریب کند و به او توهین کند، همین وضعیت رخ می‌دهد. بنابراین فردی که تحقیر می‌شود، خودش می‌آید که مثلا در واکنش به یک مسابقه فوتبال که با گل به خودی تیم مقابل برنده شده است، به خیابان بیاید و اعلام کند که ما خیلی توانمند هستیم. یعنی جیغ زدن و در خیابان ریختن برای یک امری که کاملا مشخص است در آن حوزه حرفی برای گفتن نداریم، جبران آن ماجراست که آن قدر تحقیر شده ایم که نمی‌توانیم انتخاب کنیم که چطور در خیابان راه برویم. این حقارت سرکوب شده را نشان می‌دهد.

ممکن است در یک دوره زمانی خاصی، فرد خودشیفته بتواند به دلیل هوش بالا و شرایط اجتماعی قدرتی را به دست بیاورد و فساد را ایجاد کند. اما در جامعه ای که دچار خودشیفتگی جمعی نیست، چنین فردی خیلی راحت ایزوله می شود. بنابراین اگر می بینید در آلمان قرن بیستم فردی چون آدولف هیتلر توانست چنین فاجعه ای ایجاد کند، زیرا بر یک خودشیفتگی جمعی سوار شد و آن خودشیفتگی جمعی، بر این اساس بود که مثلا نژاد ژرمن را از سایر نژادها برتر می دانست و می گفت ما آلمانی ها باید مردم دنیا را هدایت کنیم و انسان ها را غربال کنیم و آنهایی که ناسالم هستند را حذف کنیم. یعنی در واقع خودشیفتگی جمعی در آلمان ناشی از آن بود که پیش از هیتلر برخی نظریه پردازان حتی در عرصه فلسفه، راجع به برتری های ملت آلمان صحبت کرده بودند و این خودشیفتگی جمعی سبب شد که این فرد خودشیفته فاجعه به این بزرگی را ایجاد کند. اما وقتی ملتی دچار خودشیفتگی جمعی نباشد، یک فرد خودشیفته در درازمدت نمی تواند گفتمان خودشیفتگی را ادامه بدهد و لاقفل نمی تواند فساد و فتنه گسترده ای را ایجاد کند. بنابراین وقتی این خودشیفتگی جمعی را داریم، این خطر هم هست که یک فرد خودشیفته سوار بر این بازی خودشیفتگی شود، و در نتیجه جامعه از آن فرد حمایت می کند و برای او دست می زند.

اشکال کار اینجاست که ساختارهای ولایتی حکومت، از آنجا که حق خود (و حتی گاهی وظیفه خود) می دانند که آزادی فردی شهروندان را محدود کنند، در صورتی که شهروندان موافق با ادامه حضور آنها نباشند، حاضر به ترك قدرت نمی شوند و برعکس از ابزار قدرت برای وادار کردن شهروندان به حضور خود سود می جویند. نتیجه ای این فرایند مصیبت بار به وجود آمدن يك «سیكل معیوب» یا «چرخه مشکل زا» است. از يك سو محدود کردن آزادی افراد، آنها را غیر اخلاقی بار می آورد و از سوی دیگر در جامعه ای غیر اخلاقی، میل به کسب و حفظ قدرت برای حفظ امنیت افزون می گردد و در نتیجه هرکس از ابزار قدرت برای محدود کردن آزادی دیگران بهره برداری می کند.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران



هرگاه که وطن مبتلا به جنگ شد
فقیران را صدا می‌زنند برای دفاع از
آن و هرگاه که جنگ تمام شد مسئولین
را صدا می‌زنند برای تقسیم کردن
غنایم..

محمد الماغوط



Vind-ik-leuks

